مناسک عمره مفرده

مطابق با فتوای حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی)



بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک عمره مفرده : مطابق فتاوی حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی)

نویسنده:

آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی

ناشر چاپی:

همراز قلم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک عمره مفرده : مطابق فتاوی حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : دوزدوزانی، یدالله، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور : مناسک عمره مفرده : مطابق فتاوی حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی).

مشخصات نشر : قم: همراز قلم، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ص.؛ ۱۱/۵×۱۶/۵س م.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۹۸-۰-۸

موضوع : حج عمره

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/د۹م۸ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۵۱۷۶۳

ص: ۱

...

اشاره

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العالمین و الصلاه و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین و اللعنه الدائمه علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

ص: ۵

بسم الله الرحمن الرحیم

قال ابو عبدالله(علیه اسلام): کان ابی(علیه اسلام) یقول:

(من أمَّ هذا البیت حاجّاً او معتمراً مبرّاءً من الکبر، رجع من ذنوبه کهیئه یومٍ ولدته أمّه.)

حضرت امام جعفر صادق(علیه اسلام) فرمودند که پدرم می فرمود:

هر کسی که برای انجام حج یا عمره به خانه خدا مشرف شود، در حالی که تکبر نداشته باشد، از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولد شده است.

(فروع کافی۲/۳۷۲)

ص: ۶

عمره مفرده

مسأله ۱) عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است، و فضیلت بسیار دارد. از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم)روایت شده که فرمود:

«اَلْعُمْرَه کَفّارَه لِکُلِّ ذَنْبٍ(۱) عمره کفّاره تمام گناهان است».

مسأله ۲) عمره را در هر ماهی از سال می توان به جا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماه ها بهتر است(۲) ، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است.

مسأله ۳) عمره همانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب.

مسأله ۴) کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را به جا آورد؛ هر چند استطاعت و توانایی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیش تر واجب نیست،

۱- وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷، و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷.

۲- روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

بنابراین کسانی که حجّ نیابتی به جا می آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده ای برای خود به جا آورند.

مسأله ۵) هر کس قصد دارد وارد حرم شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغل شان زیاد به مکه رفت و آمد می کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروان-ها)، از این حکم استثنا شده اند. هم-چنین کسانی که عمره به جا آورده اند اگر از مکه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکّه شوند، احرام و عمره مجدّد بر آن ها واجب نیست.

مسأله ۶) عمره گزاردن بر طفل ممیّز مستحب است و اذن ولیّ در صحت آن معتبر نیست.

مسأله ۷) مستحب است ولیّ طفل غیر ممیّز (خواه پسر و خواه دختر) او را مُحرِم نماید، به این معنی که جامه های احرام را به او بپوشاند و او را وادار به لبیک گفتن نماید و لبیک را به او تلقین کند، اگر طفل قابل تلقین باشد خودش لبیک بگوید وگرنه ولی طفل به جای او لبیک بگوید، و او را از چیزهایی که اجتناب از آن ها بر مُحرِم لازم است، باز دارد.

بر ولی جایز است که کندن رخت دوخته طفل را تا رسیدن به «فخّ» تأخیر بیندازد اگر راهش از آن طرف باشد. و او را وا دارد که آن چه از اعمال حج را می تواند به جا آورد، و آن چه نمی تواند، خود به نیابت او به-جا آورد.

سؤال ۸) آیا انجام عمره مفرده در ماه های حج پیش از عمره تمتّع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین صروره و غیر صروره هست؟

جواب: مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اوّلین بار به حج می رود و غیر او تفاوتی نیست.

سؤال ۹) زنی که احتمال می دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد الحرام گردد، آیا می تواند برای عمره مستحبی محرم شود، و اگر عادت شد برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ هم چنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می تواند چنین کند؟

جواب: اشکال ندارد، و چنان چه وظیفه او نایب گرفتن شود برای طواف و نماز طواف نایب می گیرد، و بقیه را با رعایت ترتیب خودش انجام می دهد.

مسأله ۱۰) نفقه (هزینه) عمره بچه، که افزون بر نفقه متعارف است، بنابر احتیاط بر ولیّ طفل واجب است نه بر خودش. بلی اگر حفظ بچه متوقف بر همراه بردن او در سفر باشد، یا سفر مصلحت او باشد، جایز است از مال خود بچه مخارج او را تامین کنند.

مسأله ۱۱) اگر ولیّ ، بچه غیر ممیز را محرم نماید کفاره صیدش بنابر احتیاط بر عهده ولیّ است ولی ارتکاب سایر محرمات کفاره ندارد نه از مال طفل و نه از مال ولیّ.

سؤال ۱۲) آیا کسی که نمازش را غلط می خواند، و وقت تصحیح آن را ندارد، می تواند عمره مفرده مستحبی به جا آورد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳) آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتّع و قبل از آغاز اعمال حج تمتّع، جایز است؟

جواب: نباید عمره مفرده به جا آورده شود، و اگر به جا آورند عمره تمتع لغو می شود و این عمره جایگزین آن می شود.

فاصله معتبر بین دو عمره مفرده:

مسأله ۱۴) شخصی که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جدّه رود و در بازگشت بـدون احرام وارد مکه شود، کار خلاف شـرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده به¬جا آورد؛ زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکه می شود باید عمره دیگری انجام دهد.

مسأله ۱۵) کسانی که عمره را مثلاً در ماه شـعبان به جا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می روند، با توجّه به این که از محدوده حرم خارج می شوند در بازگشت باید محرم شوند، و عمره مفرده دیگری به جا آورند.

مسأله ۱۶) تکرار عمره مانند تکرار حج مسـتحب است، و در هر ماه قمری حتی در یک هفته یا یک روز می شود چند عمره به جا آورد ولی احتیاط مستحب نیت رجا در عمره دوم و سوم و... است.

مسأله ۱۷) اگر ماه رجب می گذرد برای درک فضیلت عمره این ماه می تواند محرم شده و اعمال را در ماه شعبان انجام دهد.

ص: ۱۱

سؤال ۱۸) گاه محل توزیع کالا در مکّه مکرّمه یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد. وظیفه خدمه ای که مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟

جواب: در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده، خارج شود و بازگردد، تکرار عمره لازم نیست؛ امّا اگر در ماه بعد برگردد، باید از همان مسجد تنعیم محرم شود، و عمره به جا آورد.

سؤال ۱۹) بعضی از فقها می گویند: «خدمه ای که می خواهند از مکه خارج شوند، اگر فقط به جدّه بروند برای ورود مجدّد به مکه لازم نیست محرم شوند، ولی اگر به مدینه بروند، برای ورود مجدد به مکّه باید دوباره در مسجد شجره محرم شده، و با احرام وارد مکه شوند» نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشد که خارج شده، احرام مجدّد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدداً محرم شود و اعمال را به-جا آورد.

اعمال عمره مفرده

اشاره

اعمال عمره مفرده هفت چیز است:

۱- احرام از میقات.

۲- طواف خانه خدا (هفت دور).

۳- نماز طواف.

۴- سعی صفا و مروه.

۵- تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن.

۶- طواف نساء.

۷- نماز طواف نساء.

۱– احرام از میقات

مسأله ۲۰) منظور از میقات جایی است که باید از آن جا برای عمره احرام بست، و بدون احرام نمی توان از آن گذشت.

مسأله ۲۱) محل بستن احرام عمره، ادنی الحل یعنی اولین نقطه خارج از حرم است و جایز است از یکی از میقات–های معروف پنـج گانه محرم شود. بنابراین کسانی که قصـد عمره مفرده دارنـد و قبلاً به مـدینه می روند، لازم است از مسـجد شـجره محرم شوند.

میقات های پنج گانه

۱– مسجد شجره

مسأله ۲۲) «مسـجد شـجره» در کنار مـدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می نامنـد. تمـام کسـانی که می خواهنـد از راه مـدینه به حـج بروند بایـد از آن جـا مُحرم شونـد، و جایز نیست تأخیر بیندازنـد، و مثلاً از «جحفه» – که میان راه مکّه و مدینه است – محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و

کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی توانند از مسجد شجره محرم شوند.

مسأله ۲۳) واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می توان در (طرف راست یا چپ) کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و مسجد امروز - که بسیار توسعه یافته - وجود ندارد؛ بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

مسأله ۲۴) شخص جنب یا حائض می تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقّف کند. همان گونه که می تواند در خارج از مسجد محرم شود.

مسأله ۲۵) چنان چه شخص جنب یا حائض بر اثر ازدحام جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موفق بر غسل نیز نشود، باید در بیرون مسجد احرام ببندد.

مسأله ۲۶) احتیاط مستحب آن است که از خود مسجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد، و مستحب است که درمحل اصلی و قدیمی مسجد احرام ببندند؛ هر چند در قسمت های توسعه

یافته مسجد، بلکه در خارج از مسجد- چنان که گفتیم- نیز می توان احرام بست.

مسأله ۲۷) هر گاه حائض یا جنب، عمداً و عصیاناً وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آن جا توقّف نموده، و محرم شود. آیا احرامش صحیح است؟

جواب: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست.

۲- جُحْفَه

مسأله ۲۸) «جحفه» محلّی است میان مکه و مدینه در فاصله ۱۵۰ کیلومتری مکه، و فعلا با جاده اصلی مقداری فاصله دارد، و در آن جا مسجد بزرگی ساخته اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آن جا عبور می کنند.

مسأله ۲۹) مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می شوند، و نمی خواهند به مدینه بروند، می توانند به جحفه رفته و از آن جا محرم شوند.

مسأله ۳۰) همان گونه که گفته شد در جحفه مسجدی است که می توان از بیرون یا داخل آن احرام بست، ولی افراد جنب و زنان حائض و نفساءباید از بیرون مسجد محرم شوند.

۳- وادی عقیق

مسأله ۳۱) «وادی عقیق» محلّی است در سمت شمال شرقی مکّه، که حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می کنند، می توانند از آن جا مُحرِم شوند. این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اوّل را «مَسْلخ» می نامند، و قسمت دوم را «غَمره»، و قسمت سوم را «ذات عرق» می گویند، و احرام بستن از تمام آن ها جایز است، هر چند افضل احرام از «مسلخ» است.

۴- قرن المنازل

مسأله ۳۲) «قرن المنازل» محلّی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد، و آن میقات مردم آن-جا، یا کسانی است که از آن جا عبور می کنند. بلکه تمام کسانی که وارد جدّه می شوند، می توانند به آن جا رفته و از آن جا محرم شوند.

۵–یلملم

اشاره

مسأله ۳۳) نـام کـوهی است در نواحی جنوبی مکه که حـدود ۸۴ کیلومتر بـا آن فاصـله دارد و آن میقـات کسـانی است که از جنوب شـبه جزیره عربسـتان مانند یمن، به سوی مکه می آیند، و نیز تمام کسانی که از آن جا می گذرند، می توانند از آن جا محرم شوند.

أدنی الحل

مسأله ۳۴) «أدنی الحل» یعنی اوّلین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده به جا می آورند.

مسأله ۳۵) بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محلّ: «حدیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببنـدد، و آسان تر برای کسانی که می خواهند بعد از حج، عمره مفرده به–جا آورند این است که به مسـجد تنعیم – که حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه است – بروند، و از آن جا محرم شوند.

ص: ۱۸

مسأله ۳۶) کسانی که از طریق جدّه مستقیماً برای عمره مفرده به سوی مکّه می روند باید از «حدیبیه» که فاصله آن با مکّه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است)(۱)

مسأله ۳۷) شاغلین در جدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره مفرده می توانند مانند سایرین از «حدیبیه» محرم شوند، و چنان چه بر اثر جهل به مسأله یا نسیان در جای دیگری محرم شوند، احرام آن ها صحیح نیست، و محرّمات احرام بر آن ها حرام نمی شود و اگر عمره واجب است باید اعاده کند در صورت علم و عمد نیز حکم مسأله همین است.

محاذات مسجد شجره

مسأله ۳۸) کسی که یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود، محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش می شود و از همان جا احرام می بندد. و

۱- حدیبیه در کنار جاده قدیم «جدّه، مکّه» واقع شده، و محاذی آن در جاده جدید در نزدیکی پل شمیسی مسجدی ساخته اند که محاذی آن است.

اگر در مدینه یک ماه نماند، احرام بستن از محاذات آن خالی از اشکال نیست و بنابر احتیاط باید از خود مسجد شجره احرام ببندد و نیز احرام بستن از محاذات میقات های دیگر خالی از اشکال نیست.

مسأله ۳۹) کسانی که از محاذات یکی از میقات ها عبور می کنند، احتیاط واجب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدید احرام کنند (ولی واجب نیست).

مسأله ۴۰) منظور از محاذات برای کسی که به طرف مکه می رود آن است که به جایی برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شده، به گونه ای که اگر از آن نقطه عبور کند میقات متمایل به پشت او گردد.

مسأله ۴۱) اگر محاذات را نداند باید از اهل اطّلاع مورد اطمینان بپرسد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشخیص دهد، قبل از رسیدن به محلّی که احتمال می دهد محاذات باشد بنابر احتیاط با نذر محرم شود.

مسأله ۴۲) هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچ یک از میقات ها نیست (مانند جدّه)، احتیاط آن است که به میقات رود و از آن جا محرم شود.

احکام میقات ها

مسأله ۴۳) احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید درخود میقات محرم شوند؛ مگر در دو صورت:

۱- در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات شک کند، می تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست؛ و نذر زن در صورتی که مزاحم حق شوهر نباشد اشکالی ندارد.

۲- برای کسی که می خواهد عمره ماه رجب را به جا آورد، و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

مسأله ۴۴) رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا شهرت در میان اهل محل، یا حداقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بستن جایز نیست؛ مگر از طریق نذر کردن.

ص: ۲۱

مسأله ۴۵) کسانی که میقات برای آن-ها مشخص نیست نمی توانند به گفته راهنما، یا رئیس کاروان، که می گوید فلان محل میقات است، محرم شونـد، مگر این که از گفته آن ها اطمینان پیـدا کننـد، بلکه ظنّ حاصل از گفته اهل اطلاع نیز کافی است. در غیر این صورت باید به اهل محل مراجعه کنند.

مسأله ۴۶) عبـور از میقـات بـدون احرام جـایز نیسـت، ولـو این¬که میقـات دیگری در پیش داشـته باشـد و اگر عبـور کرد در صورت امکان باید برگردد.

مسأله ۴۷) جـایز نیست اختیـاراً احرام را از میقات تأخیر بینـدازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم بـدون احرام عبور نکند؛ اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسأله ۴۸) کسانی که برای عمره مفرده به مکّه مشـرّف می شونـد، و بایـد به یکی از مواقیت معروفه برونـد، نمی تواننـد بـدون احرام از میقـات عبـور کننـد، و اگر چنیـن کننـد، واجـب اسـت بـه میقـات بازگردنـد، و از آن جـا محرم شونـد، و اگر نتـوانند برگردند، از همان جا که هستند محرم می شوند.

مسأله ۴۹) اگر بدون احرام از میقات بگذرد، ولو میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم است به میقات اوّل بازگردد و در صورت عدم امکان بازگشت از میقات دوم احرام می بندد.

مسأله ۵۰) هرگاه از روی جهل یا فراموشی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است، باید از همان جا احرام ببندد، و اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلا تنعیم) برود و احرام ببندد، و اگر نمی تواند از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می بندد.

مسأله ۵۱) هرگاه زن در حال عادت ماهیانه باشد، و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبندد، اگر می تواند، باید به میقات برگردد و مُحرم شود، و اگر نمی تواند، به خارج حرم رود و در آن-جا احرام ببندد، و اگر نمی تواند، از همان جا که هست احرام ببندد، و عمره او صحیح است.

مسأله ۵۲) هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند، و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود، اعمال او باطل است.

مسأله ۵۳) کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه می شود، در صورتی که در ماههای حج (شوّال، ذی القعده و ذی الحجّه) احرام

بسته باشد، جایز است آن را عمره تمتّع قرار دهد، و به دنبال آن حجّ تمتّع به جا آورد.

سؤال ۵۴) آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۵۵) زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقات با نذر محرم می شود. آیا احرام وی و اعمال پس از آن صحیح است؟

جواب: اگر نذر او منافاتی با حق شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

سؤال ۵۶) اگر نذر قبل از میقات مستلزم ارتکاب حرام مثل استظلال در روز باشد آیا باز هم جایز است؟

جواب: به نظر ما این گونه نذرها باطل است.

ص: ۲۴

واجبات احرام

نخستین عمل عمره مفرده احرام است و واجبات احرام سه چیز است: پوشیدن لباس احرام، نیت، تلبیه .

اوّل: پوشیدن دو جامه احرام (ازار و رداء) پس از کندن رختهایی که پوشیدنش بر محرم حرام است. و پوشیدن آن دو جامه به این نحو است که یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته و آن را «اِزار» گویند. و دیگری را مانند عبا بر دوش بگیرد و آن را «رِداء» گویند. و بچه نابالغ از این حکم مستثنی می باشد و جایز است کندن لباس او تا رسیدن به «فخ» تأخیرشود.

مسأله ۵۷) پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدی است و شرط تحقق احرام نیست بنابراظهر. و احتیاط این است که پوشیدن آن ها به نحو متعارف باشد.

مسأله ۵۸) اِزار باید به اندازه ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند. و رِداء باید به اندازه ای باشد که دو شانه را بپوشاند. و احتیاط این است که پوشیدن آن ها پیش از نیّت وتلبیه باشد. پس اگر نیّت و تلبیه را پیش

از پوشیدن به جا آورد، احوط و اولی این است که پس از پوشیدن، نیت و تلبیه را تکرار نماید.

مسأله ۵۹) هر گاه از روی نادانی یا فراموشی موقعی که پیراهن پوشیده احرام بست، آن را فوراً بکَند و احرامش صحیح است. بلکه اظهر این است که حتی در صورتی که از روی علم و عمد در پیراهن یا جامه عادی احرام ببندد، صحیح خواهد بود. و اما اگر بعد از احرام پیراهنی پوشید، احرامش بدون شک صحیح است. ولی باید آن را از طرف پا بکند و چنان چه یقه آن تنگ باشدکه نشود از طرف پا بکند، آن را شکافته و از طرف پا بکند. خلاصه آن که نباید از طرف سرکنده شود.

مسأله ۶۰) پوشیدن بیش از دو جامه در اول احرام یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن عیبی ندارد.

مسأله ۶۱) آن چه در لباس نماز گزار شرط است، در دو جامه احرام نیز شرط است. پس لازم است که دو جامه احرام از حریر خالص و از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. و زر بافت نیز نباشد. و هم چنین لازم است پاک باشد. بلی نجس شدن به نجاستی که در نماز بخشوده است، عیبی ندارد.

مسأله ۶۲) اِزار باید بدن نما نباشد. و احوط این است که رِداء نیز بدن نما نباشد.

مسأله ۶۳) احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

مسأله ۶۴) پوشیدن رداء و اِزار فقط بر مردان واجب است و زنان می توانند در رخت های عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده باشد،احرام ببندند.

مسأله ۶۵) پوشیدن حریر گرچه فقط بر مردان حرام است، اما زنان نیز نباید در جامه حریر احرام ببندند. و احتیاط این است که هیچ چیزی که از حریر خالص باشد، در تمام احوال احرام نپوشند.

مسأله ۶۶) چنان چه یکی از دو جامه احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احوط این است که هر چه زودتر تبدیل یا تطهیر نماید.

مسأله ۶۷) بر محرم واجب نیست جامه-های احرام را به طور دائم بپوشد و بر داشتن رداء از روی دوش برای ضرورت یا غیر آن عیبی ندارد، هم چنان که عوض کردن آن در صورتی که آن عوض دارای شرایط ذکر شده باشد، عیبی ندارد.

دوم: نیّت یعنی قصـد به جا آوردن آن-چه در حـج و عمره واجب شده قربهً إلی الله تعالی است. و چنان چه اعمال واجب را به طور تفصـیل ندانـد، واجب است قصـد به جا آوردن را به طور اجمال نمایـد. و در این هنگام لازم است به تدریج آن چه بر او واجب می شود از روی کتاب مناسک یاد گرفته یا از کسی که مورد وثوقش باشد، بپرسد. پس هر گاه بدون قصد، احرام بست احرامش باطل خواهد بود.

در نیت چند چیز معتبر است:

۱- قصد قربت (نزدیک شدن به رضای الهی) مانند دیگر عبادات.

۲- هم زمان بودن با شروع در احرام.

۳- تعیین احرام که برای عمره است یـا برای حـج، و تعیین این که برای خـود است یـا برای دیگری، پس اگر بـدون تعیین نیت احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

مسأله ۶۸) در صـحت نیت، گفتن به زبـان و گذرانـدن از ذهن معتبر نیست یعنی لازم نیست نیت را به زبـان آورده یـا از ذهن خود بگذراند. بلکه داعی و انگیزه بر آن کفایت می کند. مانند عبادت های دیگر که در آن ها داعی کافی است.

ص: ۲۸

مسأله ۶۹) در صحت احرام عزم بر ترک محرّمات از اول تا آخر معتبر نیست، مگر استمناء و جماع. پس اگر از اول احرام قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی استمناء یا جماع نماید احرام باطل است.

سوم: تلبیه، یعنی گفتن این چند جمله است: (لَبَّیکَ اللّهُمَّ لَبَّیکَ،لَبَّیکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ).

و جایز است کلمه (لَکَ) بعد از کلمه (وَ المُلک) اضافه شود که بگوید (وَ المُلکَ لَکَ). و تلبیه کامل این است:

(لَبَّیکَ اللّهُمَّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ، إنَّ الحَمدَ وَالنِّعمهَ لَکَ وَالمُلکَ لَک، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ).

یعنی پروردگارا فرمان تو را، اجابت و اطاعت می کنم برای تو شریک نیست، به درستی که ستایش تو را سزاست و نعمت و ملک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آن ها نیست.

مسأله ۷۰) بر مکلّف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گیرد و به طورصحیح ادا نماید. مانند تکبیره الحرام در نماز، هرچند این معنی با تلقین دیگری باشد، یعنی دیگری که خوب بلد است بگوید و وی مانند او بگوید. پس اگر این الفاظ را یاد نگرفت و تلقین هم برایش

ممکن نبود، واجب است آن چه می توانـد بگوید. و احوط در این صورت، جمع بین گفتن به مقدار میسور و گفتن ترجمه آن ها و نایب گرفتن دیگری است که به جای او بگوید.

مسأله ۷۱) شـخص گنـگ و لال با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهـد. و اولی این است که این کار را خود انجام داده و نایب هم بگیرد که به جای او لبیک بگوید.

مسأله ۷۲) بچه غیر ممیز، دیگری به جای او تلبیه می گوید.

مسأله ۷۳) احرام عمره بدون تلبیه منعقد نمی شود.

مسأله ۷۴) در صـحت احرام، طهارت ازحدث اصغر و اکبر شرط نیست و کسی که محدث به حدث اصغر یا حدث اکبر باشد، احرام وی صـحیح است. به عبارت دیگر احرام شـخص بی وضو یا جنب یا زن در حال حیض یا نفاس اشـکالی نـدارد. بنابراین جنب و حائض و نفساء می-توانند احرام ببندند.

مسأله ۷۵) تلـبیه دراحرام به منزله تکبیره الاـحرام در نمـاز است. پس احرام عمره بـدون تلبیه محقق نمی شود. پس هر گـاه نیّت احرام نموده و لباس احرام را پوشید و یکی از محرّمات احرام را قبل از تحقق احرام (لبیک گفتن) به جا آورد، گناهی نکرده و کفّاره ای بر وی نخواهد بود.

ص: ۳۰

مسأله ۷۶) کسـی که عمره مفرده به جـا می آورد اگر از خـارج حرم آمـده باشـد، هنگام دخول حرم و چنان چه از مکه بیرون رفته که احرام عمره ببندد، هنگام دیدن کعبه (خانه خدا) تلبیه را قطع نماید.

مسأله ۷۷) اگر پس از پوشـیدن لبـاس احرام و پیش از گذشـتن از میقـات، شـک کنـد کـه لبیـک گفته یـا نه، بنـا را بر نگفتن گذاشـته و لبیک بگوید و اگر بعد از لبیک گفتن شک کند که آیا درست گفته یا نه، بنا را بر درست بودن بگذارد و احرام و عملش صحیح است.

ص: ۳۱

محرمات احرام

اشاره

سابقاً ذکر شـد که احرام به تلبیه محقق می شود و بـدون آن¬ احرام منعقد نخواهد شد، هر چند نیّت احرام حاصل شده باشد. پس هرگاه مکلّف احرام بست، بیست و پنج چیز بر او حرام می شود که آن ها را تروک احرام می نامند:

۱-شکار حیوان صحرایی.

۲-نزدیکی با زنان.

۳-بوسیدن زن.

۴-دست زدن به زن.

۵-نگاه کردن به زن.

۶-استمناء.

۷-عقد نکاح.

۸-استعمال بوی خوش.

۹-پوشیدن لباس دوخته بر مردان.

۱۰-سرمه کشیدن.

۱۱-نگاه در آیینه.

ص: ۳۲

۱۲-پوشیدن چکمه و جوراب بر مردان.

۱۳- دروغ و دشنام و تفاخر.

۱۴-مجادله (قسم خوردن).

۱۵-کشتن حشرات.

۱۶-زینت کردن.

۱۷-روغن مالی بدن.

۱۸-ازاله ی موی بدن.

۱۹-پوشاندن سر بر مردان

۲۰-پوشانیدن رو بر زنان.

۲۱-زیر سایه رفتن برمردان.

۲۲-خارج نمودن خون از بدن.

۲۳-ناخن گرفتن.

۲۴-دندان کشیدن.

۲۵-همراه داشتن سلاح.

و تفصیل این امور در مسائل آینده بیان خواهد شد:

۱– شکار حیوان صحرایی

اشاره

مسأله ۷۸) محرم خواه در حرم خواه در حلّ (خارج از حرم) باشـد، نبایـد حیوان صـحرایی را شـکار نموده یا بکشد، چه حلال گوشت باشد یا نباشد هم‌–چنان که جایز نیست کشتن حیوان صحرایی، اگر چه بعد از شکار، اهلی شده باشد. و شکار در حرم هر چند شکارچی محرم نباشد مطلقاً جایز نیست.

مسأله ۷۹) هم چنان که شـکار حیوان صـحرایی بر محرم حرام است، کمک دیگری در شـکار نیز حرام است، هر چنـد با اشاره باشد. و در حرمت کمک میان این که شکارچی محرم باشد یا مُحلّ فرقی نیست.

مسأله ۸۰) محرم نباید شـکار را به دست گرفته یا از او نگهداری کند، اگر چه شـکارش پیش از احرام باشد. و نباید از گوشت شکار بخورد، هر چنـد شـکار کننـده مُحل باشد و نیز خوردن گوشت شـکاری که محرم او را ذبح نموده بر محل حرام است و هم چنین شـکاری را که محل در حرم ذبـح نموده باشـد. و ملـخ ملحق به حیوان صـحرایی است و شـکار و گرفتن و خوردنش حرام است.

ص: ۳۴

مسأله ۸۱) حکم مذکور مختص به حیوان صحرایی است و شکار حیوان دریایی مانند ماهی اشکالی ندارد. و مقصود از دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند، و اما حیوانی که در صحرا و دریا هر دو زندگی می¬کند، ملحق به صحرایی می¬باشد. و در صورت شک به این که صحرایی است یا دریایی، بنابر اظهر اشکالی ندارد. و هم چنین کشتن حیوان اهلی مانند مرغ خانگی اگر چه وحشی شده باشد، و گوسفند و گاو و شتر عیبی ندارد.

مسأله ۸۲) جوجه و تخم حیوانات مذکور، در حکم، تابع خود آن ها است یعنی همان طور که شکار حیوان صحرایی حرام است، شکار جوجه یا برداشتن تخم آن ها نیز حرام است و همان طور که کشتن حیوان اهلی و شکار حیوان دریایی جایز است، کشتن جوجه و شکستن تخم آن ها نیز جایز است.

مسأله ۸۳) کشتن حیوانات درنده برای محرم جایز نیست مگر در صورتی که از آن ها بر خود بترسد یا کبوتران حرم را اذیّت کنند و در کشتن درندگان حتی شیر کفّاره نیست. بنابراظهر، خواه کشتن آن ها جایز باشد یا نباشد.

ص: ۳۵

مسأله ۸۴) محرم می تواند افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای بد وعقرب و موش را بکشد و در کشتن هیچ کدام کفّاره نیست.

مسأله ۸۵) محرم می توانـد به کلاـغ و باز شـکاری تیر انـدازی کنـد و در صورتی که تیر به آن ها برسـد و کشـته شود، کفّاره ندارد.

ص: ۳۶

کفّارات شکار

برای کشتن و شکار هر یک از حیوانات صحرایی در شریعت مطهره کفّاره ای معیّن شده که در مسائل ذیل بیان خواهد شد.

مسأله ۸۶) در کشتن شتر مرغ، یک شتر و در کشتن گاو وحشی، یک گاو و در کشتن خرِ وحشی، یک شتر یا یک گاو، و در کشتن آهو و خرگوش، یک گوسفند و هم چنین در کشتن روباه بنابر احتیاط، یک گوسفند کفّاره هست.

مسأله ۸۷) کسی که شکاری کرد چنان چه کفّاره آن شتر باشد، و یافت نشود باید شصت مسکین را اطعام نماید، برای هر مسکین یک مُد که ۷۵۰ گرم است. و اگر این را هم نتواند، باید هجده روز روزه بگیرد. و اگر کفّاره گاو باشد و دست نیاید یا مقدور نباشد باید سی مسکین را اطعام نماید.و اگر این را هم نتواند نُه روز، روزه بگیرد. و اگر کفاره گوسفند باشد و یافت نشود یا نتواند تهیه کند باید ده مسکین را اطعام نماید. و اگر متمکن نباشد باید سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۸۸) هرگاه محرم در خارج حرم پرنده ای را شکار نموده و بکشد یک گوسفند باید کفاره بدهد.و در جوجه آن، یک برّه یا بزغاله

بایـد کفّاره بدهد. و در شکسـتن تخم آن، یک درهم بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد. و هرگاه مُحل (غیر محرم) پرنده ای را در حرم بکشـد، یـک درهم و در جوجه آن نیم درهم و در تخم آن ربع درهم کفـاره بدهـد و هرگـاه محرم در حرم پرنـده ای را بکشد، هر دو کفّاره بر او واجب می-شود. و نیز کشـتن جوجه و شکستن تخم همین حکم را دارد. و تخم اگر جوجه در آن به حرکت آمده، حکم جوجه را دارد.

مسأله ۸۹) کفّاره شـکار قطاه (مرغی است که آن را به فارسـی سـنگ¬خوار نامنـد) و کبک و درّاج وماننـد آن، یک برّه ای است که از شـیر گرفته شده و علفخوار باشد. و کفّاره شکار گنجشک و قبّره (که نوعی از مرغان می باشد که به فارسی آن را چکاوک نامند) و صـعوه(مرغی است کوچک و به فارسی آن را سنگانه نامند) و مانند آن بنابر مشهور، یک مُد که تقریباً ۷۵۰ گرم (ده سـیر)گندم یا جو یا نان و مانند این-هاست. و احوط در این ها یک برّه از شـیر گرفته شده است. و کفّاره کشتن یک ملخ، یک دانه خرما و کفّاره بیشتر از یک ملخ، یک مشت گندم و مانند آن و در زیاد آن یک گوسفند است.

ص: ۳۸

مسأله ۹۰) کشتن موش صحرایی و خارپشت و سوسمار و مانند این¬ها، یک بزغاله کفاره دارد. و یک نوع مارمولک(عظایه) یک مشت طعام کفاره دارد.

مسأله ۹۱) کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد. و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد، کفاره ندارد.

مسأله ۹۲) در راهی که ملخ زیاد است، بایستی محرم راه خود را کج کند که آن را نکشد و اگر نتواند این کار را بکند که خواه ناخواه ملخ پایمال می شود، عیبی ندارد.

مسأله ۹۳) اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند، بر هر یک کفّاره مستقلی واجب است.

مسأله ۹۴) کفّاره خوردن شکار مانند کفّاره خود شکار است. پس اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد، دو کفّاره باید بدهد، یکی برای شکار و دیگری برای خوردن آن.

مسأله ۹۵) کسی که شکار همراه دارد و قصد داخل شدن به حرم را دارد، باید شکار را رها کند و چنان چه رهایش نکرد تا این که مرد باید کفّاره بدهد، بلکه بنابر احتیاط این حکم نسبت به کسی که قبل از

احرام شکاری کند و سپس محرم شود، نیز جاری است یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد.

مسأله ۹۶) وجوب کفّاره در کشتن شکار و خوردنش فرقی ندارد چه از روی عمد یا سهو یا نادانی باشد.

مسأله ۹۷) در شکار مکرر کفّاره نیز مکرر می شود، خواه شکار از روی نادانی یا فراموشی یا خطا باشد. و هم چنین است در صورت عمد اگر شکار در حرم و شکار کننده مُحل باشد یا شکار کننده در احرام های متعدد شکار کند، و اما اگر شکار عمداً از محرم در یک احرام مکرر شد، کفاره مکرر نخواهد شد.

۲- نزدیکی با زنان

مسأله ۹۸) نزدیکی با زنان(جماع) در اثنای عمره مفرده پیش از به¬جا آوردن نماز طواف نساء بر محرم حرام است.

مسأله ۹۹) کسی که از روی علم و عمد در عمره مفرده پس از سعی، با زن خود نزدیکی نماید، مانند گذشته کفاره بر او واجب می شود ولی عمره اش فاسد نمی-شود. ولی اگر قبل از سعی باشد، عمره-اش نیز باطل و واجب است تا آخر ماه در مکه توقف نماید و در ماه

جدیدبه یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره دوم محرم شود، و احوط این است که همان عمره فاسد را نیز تمام کند.

مسأله ۱۰۰) کسـی که از احرام در آمـده، اگر بـا زن خود که در حال احرام است نزدیکی نمایـد، کفاره بر زن واجب می شود ولی مرد باید غرامت آن را بدهد. و کفاره اش یک شتر است.

مسأله ۱۰۱) شـخص محرم هر گاه از روی نادانی یا فراموشـی با زن خود نزدیکی نماید، عمره اش صـحیح است و کفاره ای بر او واجب نمی شود. و این حکم نسبت به سایر محرماتی که موجب کفّاره است و در ذیل بیان می شود، نیز جاری است، به این معنا که هر عملی که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند، کفاره ندارد. مگر در دو مورد:

۱- کسی که دست خود را بی جهت به سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو مو از آن بیفتد.

۲- آن که بدن خود را از روی نادانی روغن مالی کند. و حکم تمام این¬ها در جای خود ذکر خواهد شد انشاءالله تعالی.

۳- بوسیدن زن

مسأله ۱۰۲) جایز نیست محرم زن خود را از روی شـهوت ببوسـد و چنان¬چه او را بوسـید و منی از او خارج شـد، لازم اسـت یک شتر کفاره

بدهـد. و بنابر احتیاط اگر منی از او خارج نشود نیز کفاره دارد. و اما اگر بوسیدن از روی شـهوت نباشد یک گوسـفند کفاره دارد.

مسأله ۱۰۳) هر گاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند قربانی کند.

۴– لمس زن

مسأله ۱۰۴) شـخص محرم نباید دست یا بدن خود را از روی شهوت بر بدن زن خود بگذارد، و چنان چه این کار را کرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر این عمل از روی شهوت نباشد، چیزی بر او نخواهد بود.

۵– نگاه کردن به زن و ملاعبه با او

مسأله ۱۰۵) هر گاه محرم از روی شـهوت به زن خود نگاه کند و منی از او بیرون بیاید، یک شتر باید کفاره بدهد. ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند کفاره ندارد.

مسأله ۱۰۶) هر گـاه محرم بـا همسـر خود ملاـعبه و شوخی نمایـد تـا آن که منی از او بیرون بیایـد، لاـزم است یک شتر کفاره بدهد. وچنان

چه به زن اجنبی از روی شـهوت یا بـدون شـهوت نگاه کنـد و منی از او بیرون بیاید، کفاره اش اگر آن شـخص متمکن و دارا باشد، یک شتر است و اگر از جهت قدرت مالی متوسط باشد یک گاو است و اگر فقیر باشد کفاره اش یک گوسفند است. و اما اگر به او نگاه کند هر چند از روی شهوت باشد و منی از او بیرون نیاید، اگر چه حرامی به جا آورده، ولی کفاره ندارد.

مسأله ۱۰۷) محرم می تواند بغیر از آن چه گفته شد، از عیال خود لذت ببرد بنابر اظهر. ولی احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

۶- استمناء

مسأله ۱۰۸) هر گـاه محرم با آلت خود بازی نمایـد و منی از او بیرون آیـد، حکمش حکم کسـی است که با زن خود نزدیکی کرده باشد. بنابراین اگر این کار را در عمره مفرده پیش از فراغت از سـعی انجام دهد، عمره اش فاسد بوده و لازم است آن را به پایان رسانده و در مکه توقف نماید تا ماه تمام شود و در ماه بعد به یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره مفرده احرام ببندد، چنان که در مسأله (۱۰۰) بیان شد. و کفاره استمناء مانند کفاره جماع است. و چنان چه بدون بازی با آلت استمناء نمود مثل این که با نگاه کردن به زن یا در نظر آوردن و

ماننـد این ها منی از او بیرون بیایـد، کفاره بر او واجب می شود و بنابر اظهر حـج و عمره اش فاسـد نخواهد شدهر چند رعایت احتیاط بهتر است. یعنی آن-ها را تکرار نماید.

۷- عقد نکاح

مسأله ۱۰۹) عقـد ازدواج در حـال احرام برای خود یـا دیگری حرام است، خواه دیگری در حـال احرام باشـد یا از احرام بیرون آمده باشد و خواه عقد دائمی باشد یا موقت، که در تمامی این صورت ها عقد باطل خواهد بود.

مسأله ۱۱۰) هرگـاه محرم یـا غیر محرم، زنی را برای محرم عقـد نمایـد و شوهر با آن زن نزدیکی کنـد و عقـد کننـده و شوهر بداننـد که چنین عقـدی در حـال احرام حرام است، بر هر یـک کفّاره ی یک شتر واجب می شود. و هم چنین بر زن نیز کفاره واجب می شود اگر می-دانسته که در حال احرام عقد ازدواج حرام است.

مسأله ۱۱۱) حاضـر شـدن در مجلس عقد و گواهی دادن بر آن بنابر قول مشـهور بر محرم حرام است. و این قول موافق احتیاط است.

مسأله ۱۱۲) احوط این است که محرم خواستگاری نیز ننماید. بلی اگر زنی را قبلاً طلاق داده، رجوع به او عیبی ندارد.

۸– استعمال بوی خوش

مسأله ۱۱۳) استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، مشک، زعفران، گلاب، عود، و غیر آن خواه از طریق بوئیدن باشد یا مالیدن بر بدن و لباس یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن محرم حرام است. هم چنین بر محرم پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد حرام است بلکه احتیاط واجب اجتناب از هر بوی خوشی است.

مسأله ۱۱۴) خوردن میوه های خوش¬بو مانند سیب و بِه عیبی ندارد. ولی بنابر احتیاط از بوئیدن آن ها هنگام خوردن باید خودداری شود.

مسأله ۱۱۵) بر محرم واجب نیست که هنگام سعی بین صفا و مروه در صورتی که عطرفروشی آن جا باشد، بینی خود را از بوی خوش ببندد. ولی احتیاط لازم این است که در غیر حال سعی، بینی خود را از هر بوی خوشی ببندد. و بوئیدن خَلوق کعبه که یک نوع عطر است، عیبی ندارد.

مسأله ۱۱۶) هرگـاه محرم مقـداری بوی خوش در لبـاس و بـدن و خوراک به عمـد اسـتعمال کنـد بنابر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است.

مسأله ۱۱۷) بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. ولی تند رفتن از جهت خلاصی از بوی بد عیبی ندارد.

۹- پوشیدن لباس دوخته بر مردان

مسأله ۱۱۸) پوشـیدن لباس هایی مانند پیراهن و قبا و شـلوار و زیر پوش و جامه دگمه دار با بسـتن آن دگمه و هر جامه ای که آسـتین دار باشـد که دست در او برود، بر مرد محرم حرام است. و احوط اجتنـاب از هر جـامه دوخته، بلکه شـبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می پوشـند. و پوشـیدن همیان دوخته (کمر بندی که پول در او گذاشـته می شود) جایز است. و هم چنین اسـتعمال فتق بنـد برای کسـی که فتق دارد عیبی نـدارد. و جـایز است محرم هنگام خوابیـدن، با لحاف وماننـد آن از چیزهای دوخته به جز سر، تن خود را بپوشاند.

مسأله ۱۱۹) احوط این است که اِزار (لنگ) خویش را به گردن خود، بلکه مطلقاً گره نزنـد، و لو بعض آن را به بعض دیگر. و چیزی

ص: ۴۶

مانند سنجاق نیز در او فرو نبرد. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در او عیبی ندارد.

مسأله ۱۲۰) پوشیدن لباس دوخته هر طور باشد، برای زنان عیبی ندارد، مگر پوشیدن دست کش که حرام است.

مسأله ۱۲۱) هر گاه محرم لباسی را که حرام است به عمد بپوشد، کفاره اش یک گوسفند است. و احوط لزوم کفاره است حتی در صورتی که ناچار به پوشیدن آن باشد.

۱۰- سرمه کشیدن

مسأله ۱۲۲) سرمه کشیدن چند صورت دارد:

۱- سرمه سیاه را به قصد زینت به چشم خود بکشد، که این کار به طور قطع برمحرم حرام است و کفاره اش استغفار است.

۲- آن که محرم سرمه سیاه را بکشد ولی به قصد زینت نباشد.

۳- محرم سرمه ای که استفاده می کند، سیاه نباشد و به قصد زینت بکشد. و احوط در این دو صورت اجتناب و کفاره اش استغفار است.

۴- آن که سرمه سیاه نباشد و شخص قصد زینت هم نداشته باشد، که این کار عیبی ندارد و کفاره هم ندارد.

ص: ۴۷

۱۱– نگاه کردن در آیینه

مسأله ۱۲۳) نگاه کردن در آیینه بر محرم جهت زینت، حرام و کفاره اش استغفار است ولی اگر نگاه کردن برای زینت نباشد، مانند نگاه کردن راننده در آیینه خودرو که دو پهلو یا پشت سر خود را ببیند، عیبی ندارد. و مستحب است کسی که برای زینت در آیینه نگاه کرد، تلبیه را تجدید نماید.ولی نگاه کردن در اجسام صاف و صیقلی مانند آب و شیشه حرام نیست و کفاره ندارد.

۱۲– پوشیدن چکمه و جوراب

مسأله ۱۲۴) پوشیدن چکمه، کفش یا جوراب بر مرد محرم حرام است و کفاره-اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. ولی زن می تواند آن را بپوشد. و احوط نپوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند. و چنان چه برای مرد محرم نعلین و مانند آن فراهم نشد و ضرورت ایجاب کرد که چکمه، کفش یا جوراب بپوشد، احوط این است روی آن را بشکافد. و پوشاندن تمام روی پا بدون پوشیدن چیزی عیبی ندارد. مثل این که یک طرف رداء خود را بر آن در حال نشستن بیندازد.

ص: ۴۸

۱۳– دروغ و دشنام و تفاخر

مسأله ۱۲۵) دروغ و دشنام در هر حال حرام است، ولی حرمتشان در حال احرام موکّد و شدیدتر است. و مراد از فسوق در آیه مبارکه «فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الحَجِّ» دروغ و دشنام است. اما مفاخرت یعنی اظهار فخر از حیث حسب و نسب که شخص محرم بگوید من چنین و چنانم و فامیل و پدرانم کیانند، دو صورت دارد:

اوّل: آن که برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد و توهین به دیگری را در بر داشته باشد، این عمل فی نفسه حرام است.

دوم: آن که اثبات فضیلت برای خود باشد بدون این که به دیگری اهانت شود. و این عمل فی نفسه عیبی ندارد. ولکن بنابر احتیاط این¬گونه تفاخر در حال احرام باید ترک شود.

۱۴– جدال نمودن (قسم خوردن)

مسأله ۱۲۶) یکی از محرّمات احرام، جدال است و آن عبارت است از: قسم خوردن به خداوند متعال در مقام اثبات یا ابطال مطلبی، راست باشد یا دروغ، همراه با نزاع و ستیزه جویی باشد یا نباشد. هم چنین مرد و زن محرم باید از قسم خوردن به خداوند به شکل های زیر پرهیز کنند:

۱.شکل های مختلف قسم خوردن به لفظ «الله» مانند: «والله» و «تالله».

۲.قسم خوردن به مرادف لفظ «الله» در زبان های دیگر مانند: «به خدا»

۳.بنابر احتیاط قسم خوردن به سایر اسماء مخصوص خداوند مانند: «بالرّحمان»

مسأله ۱۲۷) دو مورد از حرمت جدال استثنا شده است:

اوّل: ضرورتی مانند اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضای قسم خوردن کند، که در این صورت قسم خوردن حتی به دو کلمه مذکور عیبی ندارد.

دوم: مراد قسم خوردن نباشد، بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل این که بگوید تو را به خدا این کار را نکن و مانند آن.

هم چنین قسم خوردن به غیرخداوند متعال و قسم هایی که بدون توجه از محرم صادر می شود مانند قسم های روزمره، اشکال ندارد.

مسأله ۱۲۸) در صورتی که جدال کننده در سخن خود راستگو باشد، کفاره ندارد، بلکه فقط باید استغفار نماید به شرطی که از دو مرتبه تجاوز ننموده باشد. و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره دارد. و اما اگر جدال و قسم خوردن بر دورغ باشد، در همان مرتبه اول

یک گوسفند و برای مرتبه دوم، یک گوسفند دیگر و در مرتبه سوم یک گاو کفاره دارد.

۱۵- کشتن حشرات

مسأله ۱۲۹) کشتن حشرات و انداختن آن از بدن برای محرم جایز نیست. ولی جابجا کردن او عیبی ندارد. و در صورت کشتن احوط آن است که یک مشت از طعام به فقیری کفاره بدهد. اما پشه و کک در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود احتیاط در نکشتن آن هاست. و اما راندن آن ها ظاهراً جایز است، هر چند احوط ترک است.

۱۶- زینت نمودن

مسأله ۱۳۰) پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم حرام است. ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفاره اش یک مشت طعام است.

مسأله ۱۳۱) پوشیدن عینک بدون قصد زینت برای زن و مرد عیبی ندارد و لی بهتر نپوشیدن است.

مسأله ۱۳۲) حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود، بر محرم حرام است. هر چند خود قصد زینت ننموده باشد. بلی اگر زینت گفته نشود، عیبی ندارد. مثل این که جهت درمان و مانند آن باشد.

مسأله ۱۳۳) پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است. و زیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته مستثنی است و می تواند آن را بپوشد. ولی نباید آن را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد.

۱۷- مالیدن روغن به بدن

مسأله ۱۳۴) محرم نبایستی تن خود را روغن مالی کند، هر چند خوش بو هم نباشد، و صورت درمان و ضرورت استثنا شده است.

مسأله ۱۳۵) کفّاره روغن مالی بنابر احتیاط در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است.

۱۸– جدا نمودن مو از بدن

مسأله ۱۳۶) محرم نبایستی موی خود یا دیگری را از بـدن به هر شـکل -تراشـیدن، سوزاندن یا کندن- جدا کند، خواه دیگری محرم باشد یا محل مرد باشد یا زن. از این حکم چهار مورد استثنا شده است:

اوّل: محرم توسط حشرات مورد اذیت قرار بگیرد مانند آن که شپش بدن محرم زیاد شود.

دوم: ضرورت ایجاب کند که موی بدن جدا شود، مانند آن¬که بلندی موی و زیادیش باعث سردرد یا ناراحتی دیگر شود.

سوم: مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت کند.

چهارم: مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

که در این چهار صورت جدا شدن مو عیبی ندارد.

مسأله ۱۳۷) اگر محرم بدون ضـرورت سـر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسـفند است، و چنان چه به ایجاب ضـرورت سـر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین که به هر یک دو مد (یک کیلو و نیم) بدهد. و اگر موی زیر هر دو بغـل خود را جـدا کنـد، کفـاره اش یـک گوسـفند است. و اگر موی یک طرف را جـدا کنـد بایـد بر سـه مسکین به هرکدام ۷۵۰گرم طعام بدهد. و چنان چه

موی ریش خود یا غیر آن را جـدا کند، بایستی یک مشت طعام به فقیر کفاره بدهد. و چنان چه سـر دیگری را چه محرم و چه محل باشد بتراشد، کفاره ندارد.

مسأله ۱۳۸) اگر محرم سر یا بدن خود را به طوری که مویی از او نیفتد و خونی نشود بخاراند عیبی ندارد. و چنان چه دست به سر یا ریش خود کشیده و یک مو یا بیشتر از آن بیفتد، یک مشت طعام صدقه بدهد.

۱۹– پوشانیدن سر بر مردان

مسأله ۱۳۹) مرد محرم نبایستی تمام یا قسمتی از سر خود را با هرچیزی که باشد حتی با گل بپوشاند. بلکه بنابر احتیاط نبایستی چیزی روی سـر خود حمل کنـد. بلی انداختن بند مشک بر سـر یا بسـتن دسـتمال و مانند آن به جهت سـردرد عیبی ندارد. هم چنین پوشاندن گوش ها نیز جایز نیست.

مسأله ۱۴۰) پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست جایز و ترک آن بهتر است.

مسأله ۱۴۱) محرم نبایستی در آب و مانند آن فرو رود که سرش زیر آب شود بنابر احتیاط. و ظاهراً مرد و زن در این حکم فرقی با هم ندارند.

مسأله ۱۴۲) هرگاه محرم سر خود را پوشانید، بنابر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است. و ظاهراً در موارد اضطرار کفاره واجب نیست.

۲۰- پوشانیدن رو بر زنان

مسأله ۱۴۳) بنابر احتیاط بانوان نبایستی در حال احرام صورت خود را به پوشیه یا نقاب و مانند آن بپوشانند. هم چنان که احتیاط این است که قسمتی از روی خود را نیز نپوشانند. بلی پوشاندن صورت در حال خواب و پوشاندن قسمتی از رو به عنوان مقدمه برای پوشاندن سر در حال نماز، عیبی ندارد. و احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

مسأله ۱۴۴) بانوان محرم می توانند از مرد اجنبی رو بگیرند، به این صورت که گوشه چادر یا عبا و مانند آن را که بر سر دارند، تا مقابل بینی یا چانه خود پایین بکشند. و احتیاط این است که قسمت پایین آمده را به وسیله دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارند.

مسأله ۱۴۵) کفّاره پوشانیدن صورت بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

۲۱- زیر سایه رفتن مردان

مسأله ۱۴۶) مردان محرم هنگام حرکت نبایستی زیر سایه متحرک رفته یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرند، هر چند سایه سقف محمل یا ماشین یا هواپیما و مانند این ها باشد. ولی راه رفتن در سایه کوه یا دیوار یا درخت و امثال آن ها از اجسامی که ثابت باشد، اشکالی ندارد. و نیز جایز است راه رفتن زیر ابری که مانع از تابش آفتاب است. و فرقی در حرمت زیر سایه قرار گرفتن در موارد محّرمه میان این که پیاده باشند یا سواره نیست و احوط این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، مثل این که بغل شتر یا ماشین حرکت کند که سایه از طرف چپ یا راستش بر او بیفتد. بلی می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد. و هم چنین احرام زیر سقف مسجد شجره عیبی ندارد.

مسأله ۱۴۷) مراد از زیر سایه رفتن که حرام است این است که بدان وسیله از آفتاب یا سرما یا گرما یا باران و مانند این ها جلوگیری کند. و چنان-چه هیچ یک از این ها نباشد، به طوری که بود و نبود

سایبان یکسان باشد، عیبی ندارد. البته عدم جواز در شب بنابر احتیاط است.

مسأله ۱۴۸) حرمت زیر سایه رفتن، مخصوص حال حرکت است، پس اگر محرم در جایی توقف کند، خواه آن جا را منزل خود قرار دهد یا ندهد، مانند آن که در وسط راه جهت استراحت یا دیدار دوستان یا غیر این ها، توقف کند، اشکالی ندارد که سایه ای بالای سر خود قرار دهد. اما پس از پیاده شدن و منزل خود قرار دادن جایی، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به این جا و آن جا برود، مانند این که در مکه منزل کند، و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجد الحرام برود، و یا به منزل خود در منی وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چه به وسیله چتر و یا سوار شدن ماشین سقف دار، خیلی مشکل است و احتیاط نباید ترک شود.

مسأله ۱۴۹) زیر سایه رفتن زنان و کودکان و هم چنین مردان در حال ضرورت یا ترس از گرما و سرما عیبی ندارد.

مسأله ۱۵۰) کفّاره زیر سایه رفتن یک گوسفند است و فرقی بین حال اختیار و اضطرار نیست. و چنان چه این عمل تکرار شود، احتیاط

این است که عوض هر روز یک کفاره بدهد، هر چند اظهر این است که در هر احرام یک کفاره کافی است.

۲۲- بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۱۵۱) شخص محرم بنابر احتیاط نبایستی از بدن خود به وسیله خاراندن و مسواک نمودن و امثال آن خون در بیاورد. و در حال ضرورت یا رفع ناراحتی عیبی ندارد. و کفاره اش بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

۲۳- ناخن گرفتن

مسأله ۱۵۲) محرم نبایستی تمامی یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقای ناخن ضرر داشته باشد، مانند این که ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، که در این صورت بریدنش جایز است و برای هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

مسأله ۱۵۳) کفّاره گرفتن هر ناخنی یک مُد طعام است، و کفّاره گرفتن ناخن-های دست در یک مجلس یک گوسفند است. حکم گرفتن ناخن های پا همانند دست است. و چنان چه گرفتن ناخن دست و پا در یک مجلس باشد، کفاره اش نیز یک گوسفند است. و چنان چه

ص: ۵۸

ناخن دست ها در یک مجلس و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است.

مسأله ۱۵۴) اگر محرم به استناد فتوای کسی که از روی اشتباه فتوا به جواز ناخن گرفتن داده است، ناخن خود را گرفت و خون در آمد، کفّاره اش بنابر احتیاط بر فتوا دهنده است.

۲۴–دندان کندن

مسأله ۱۵۵) جمعی از فقها نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید، از محرّمات احرام است و کفّاره اش را یک گوسفند دانسته اند، و این قول موافق احتیاط است.

۲۵– برداشتن سلاح

مسأله ۱۵۶) برداشتن سلاح و چیزهایی که در عرف به آن ها سلاح گفته می شود، بر محرم حرام است. و بعضی از فقها آلات دفاع و حفظ، مانند کلاه خود و زره و سپر را سلاح خوانده اند. و این قول موافق احتیاط است.

ص: ۵۹

مسأله ۱۵۷) بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند، عیبی ندارد. ولی با این حال ترکش احوط است. یعنی بنابر احتیاط سلاح را نزد خود نگذارد.

مسأله ۱۵۸) حرمت حمل سلاح مختص به حال اختیار است و در حال اضطرار عیبی ندارد. و کفّاره حمل سلاح استغفار است.

ص: ۶۰

احکام حرم

اشاره

تا این جا بیست و پنج چیزی که بر محرم حرام است، بیان شد. و دومورد دیگر هست که بر محرم و مُحلّ حرام است:

۱- شکار در حرم

مسأله ۱۵۹) شکار در حرم بر محرم وغیر محرم، بر زن و مرد حرام است چنان که قبلاً بیان شد.

۲- کندن درخت و گیاه حرم

مسأله ۱۶۰) کنـدن و بریـدن هر چیزی کـه در حرم روییـده از درخت و غیر درخت و گیـاه برمحرم و غیر محرم حرام است. اما چیزی که به راه رفتن متعـارف کنـده شود، عیـبی نـدارد. هم-چنـان که رهـا کردن حیوانـات که از علف حرم بچرنـد اشـکالی ندارد. و از این حکم چند چیز استثنا شده است:

۱- اذخر که گیاه معروفی است.

۲- نخل خرما و درخت میوه دار.

۳- علف¬هایی که خوراک شتر است.

۴- علف و درختی که در مِلک یا خانه شخص می روید یا شخص آن را می کارد. (کندن و بریدن این چهار چیز عیبی ندارد). و اما درختی که در منزل پیش از تملک منزل بوده، حکمش حکم سایر درخت هاست و کندنش حرام است.

مسأله ۱۶۱) درختی که ریشه و ساقه اش در حرم و شاخ و برگش در خارج حرم یا به عکس باشد، حکمش حکم درختی است که تمامش در حرم باشد.

مسأله ۱۶۲) کفّاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. و کفّاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

ص: ۶۲

جای کشتن کفّارات

مسأله ۱۶۳) جای کشتن کفّاره شکار در احرام عمره، مکه مکرّمه است و در احرام حج، منی است.

مسأله ۱۶۴) و اگر کفّاره ای بر محرم واجب شد و آن را به جهت عذری یا بدون عذر در مکه یا منی نکشت می-تواند در وطن خود یا در هر جا که خواست، بکشد.

مصرف کفّارات

کفّاراتی که بر محرم واجب شده باید آن ها را به فقرا و مستمندان صدقه بدهد و احتیاط این است که خود کفّاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت مقداری را که خورده، به فقرا صدقه دهد.

ص: ۶۳

اعمال عمره مفرده

اشاره

همان گونه که گفته شد اعمال عمره مفرده هفت چیز است.

احرام

اولین واجب در عمره مفرده، احرام در یکی از میقات ها یا ادنی الحلّ می-باشد که مسائل آن گفته شد.

طواف

دومین واجب عمره مفرده، طواف است. و به ترک آن از روی عمد، چه حکم یا موضوع را بداند یا نداندعمره فاسد می شود.

شرایط طواف

در طواف چند چیز شرط است:

اوّل: نیّت،که طواف بدون قصد قربت باطل است.

دوم: طهارت، از حَدَث اکبر و اصغر، پس چنان چه از روی عمد یا نادانی یا فراموشی در حال حدَث و بدون طهارت طواف نماید، طوافش صحیح نخواهد بود ولی در بچه غیر ممیز طهارت از حدث و خبث شرط نیست.

مسأله ۱۶۵) اگر از محرم در اثنای طواف حدثی سر زد، مسأله چند صورت خواهد داشت:

۱- حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، که در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت تکرار شود.

۲- حدث بعد از تمام شدن دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده، ادامه می دهد.

۳- حدث بعد از نصف و پیش از تمام شدن دور چهارم طواف، یا بعد از تمام شدن دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده نمازش را بخواند سپس تکرارش نماید.

مسأله ۱۶۶) چنان¬چه پیش از شروع به طواف یا در اثنای آن شک در طهارت بنماید، اگر بداند که قبلاً با طهارت بوده و نمی داند بعداً از او حدثی سرزده یا نه، باید در این صورت اعتنا به شک خود نکند. و اگر نداند که قبلاً با طهارت بوده یا نه، باید طهارت گرفته و شروع به طواف کند یا طوافی که در دست داشته از سر بگیرد.

مسأله ۱۶۷) هر گاه پس از فراغت از طواف، شک در طهارت نمایـد به شک خود اعتنا نکند، هر چند احوط تکرار است. ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد.

مسأله ۱۶۸) هرگاه مکلّف نتواند وضو بگیردباید تیمم نموده و طواف را به-جا آورد. و اگر تیمم هم نمی تواند بکند، حکمش حکم کسـی است که نمی توانـد طواف را به جـا آورد. پس اگر مأیوس از توانایی شـد، لازم است برای طواف نایب بگیرد، و احوط این است که خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

مسأله ۱۶۹) جنب و زن حائض و نفساء(زائو) بعد از گذشـتن ایام حیض و نفاس واجب است که برای طواف غسل کنند، و در صورت معـذور بودن و مـأیوس شـدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کننـد. و احوط و اولی این است که نایب نیز بگیرند. و در صورت معذور بودن از تیمم، نایب گرفتن متعیّن است.

مسأله ۱۷۰) هر گـاه بـانوان پس از بسـتن احرام یـا هنگـام بسـتن احرام برای عمره خون حیض ببیننـد و وقت کـافی برای به جا آوردن اعمال عمره را داشـته باشـند، بایستی صبر کننـد تا پاک شونـد و غسل نمایند و اعمال عمره را به جا آورند. و چنان چه فرصت این کار را نداشته باشند،

باید برای طواف ها و نماز آن¬ها نایب بگیرند و سعی و تقصیر را خودشان انجام دهند.

مسأله ۱۷۱) اگر زن مُحرم هنگام انجام طواف، عادت ماهانه ببیند اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد و اگر بعد از آن باشد، مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید پس از روزهای عادت و انجام غسل به جا آورد و احتیاط مستحب تکرار آن پس از اتمام طواف اول و نماز آن است.

مسأله ۱۷۲) هرگاه زن بین طواف و نمازش، حائض شود، طوافش صحیح است و نماز طواف را پس از پاکی و غسل به جا آورد.

مسأله ۱۷۳) هر گاه زنی پس از طواف و نمازش احساس نماید که حائض شده و نداند که پیش از طواف یا پیش از نماز یا در اثنا یا بعد از نماز رخ داده، در این صورت بنا را بر صحت طواف و نماز بگذارد. و چنان چه بداند که قبل از نماز حادث شده و وقتش هم تنگ باشد، سعی و تقصیر نموده و نماز را تا پس از پاکی تأخیر بیندازد که در این حالت عمره اش صحیح است.

مسأله ۱۷۴) طواف مستحبی را می توان بدون طهارت به جا آورد و طهارت در آن لازم نیست ولی نماز طواف مستحبی بدون طهارت صحیح نخواهد بود و باید با طهارت باشد.

مسأله ۱۷۵) کسی که معذور از طهارت تمام (وضو یا غسل) است، مانند کسی که در دست یا پایش شکستگی و زخم است که پانسمان شده یا کسی که مرضی دارد که بولش قطره قطره می ریزد، به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می-گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است. و اما مبطون (کسی که نمی تواند از غایط خودداری کند) احوط این است که در صورت توانایی، هم خودش طواف نماید و هم برای طواف نایب بگیرد. و اما در مورد زن مستحاضه ظاهر این است که اگر به وظیفه خود عمل نماید، طوافش صحیح است.

سوم: طهارت از خبث است یعنی پاکی بدن و لباس. پس طواف با بدن یا لباس نجس صحیح نیست. و نجاستی که در نماز بخشوده بود، مانند خون کمتر از درهم، در طواف بنابر احتیاط بخشوده نیست.

مسأله ۱۷۶) بودن خون و خونابه زخم و دمل که پرهیز از آن سخت باشد، در بدن یا لباس در طواف مانعی ندارد و بر طرف

کردنش لازم نیست. هم چنین که بودن چیز نجس همراه انسان در طواف و نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی شود مانند شال، کلاه و جوراب، عیبی ندارد.

مسأله ۱۷۷) هر گاه شخصی نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و پس از انجام طواف بفهمد، طوافش صحیح است و نیازی به تکرار ندارد، و هم-چنین در نماز طواف اگر نمی دانسته بدن یا لباسش نجس بوده و پس از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

مسأله ۱۷۸) هرگاه شخص، نجاست بدن یا لباس خود را فراموش کند و با آن حال طواف نماید و پس از طواف یادش بیاید؛ طوافش بنابراظهر صحیح است، اگر چه تکرار آن با لباس پاک احوط است. و چنان چه پس از نماز طواف یادش بیاید که بدن و لباسش نجس بوده، باید با بدن و لباس پاک نمازش را تکرار نماید.

مسأله ۱۷۹) هر گاه شخص نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف آگاه شد یا آن که پیش از فراغت از طواف بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید. و چنان چه جامه پاک همراه نداشته باشد، اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط

چهـارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجـاست از بـدن یـا لبـاس باقیمانـده طواف را به جـا آورد. و چنان چه علم به نجـاست یـا حـدوثش پیش از تمـام شـدن شوط چهـارم باشـد، بـاز هم طواف را قطع و نجـاست را ازاله نموده و بنـابر احتیاط، طوافش را کامل نموده و نمازش را بخواند سپس طواف را تکرار نماید.

چهارم: مختون بودن مرد است. و احوط، بلکه اظهر این است که بچه ممیّز که خوب و بد را تشـخیص می دهد، باید ختنه شده باشد. و اما اگر بچه ممیز نباشد، ختان در او معتبر نیست، اگر چه اعتبارش احوط است.

مسأله ۱۸۰) هر گاه محرم ختنه نشده خواه بالغ خواه بچه ممیّز، طواف نماید، طوافش کافی نخواهد بود. و اگر طواف را بعد از ختنه شدن تکرار نکند، مانند کسی خواهد بود که طواف را ترک کرده باشد. و احکام آینده بر وی جاری خواهد شد.

پنجم: پوشانـدن عورت است بنـابر احتیـاط. و پوشـش بایستی مباح باشـد. و احتیاط این است که پوشـش دارای تمامی شـرایط لباس نمازگزار باشد.

واجبات طواف

هفت چیز در طواف واجب است:

اوّل: طواف از حجرالأسود شروع شود، و احتیاط مستحب این است که تمام بدن خود را بر تمام حجرالأسود بگذراند. و کافی است که قبل از حجرالأسود ایستاده و نیّت نماید که طواف را از جایی که محاذات حجرالأسود باشد، به جا می آورم و زیاده بر آن از باب مقدمه علمیه می باشد. یعنی انسان وقتی جلوتر از حجرالأسود شروع کرد، علم پیدا می کند که اولین جزء طوافش با اولین جزء حجرالأسود محاذی و برابر شده است.

دوم: هر دوری به حجرالأسود ختم شود. و در دور آخر احتیاطاً قدری از حجرالاسود بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه حساب کند.

سوم: کعبه (خانه خدا) را در تمام طواف؛ طرف چپ خود قرار دهد وچنان چه به جهت بوسیدن ارکان یا به جهت ازدحام، کعبه رو به رو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار از طواف شمرده نمی شود. ظاهر این است که میزان در قرار دادن طرف چپ بدن به سمت کعبه، عرف می باشد. بهتر این است در دو دهانه ی حجر

اسماعیل و در نبش-های خا نه ی خدا دقت بیشتری داشته باشد که به چپ یا راست منحرف نگردد.

چهارم: حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنا که دور حجر اسماعیل بگردد و داخل حجر نرود.

پنجم: طواف کننده از بیرون دور خانه خدا دور بزند نه دورن خانه ی خدا، و دور تا دور خانه ی خدا شیب وجود دارد که به آن شاذروان می¬گویند و نبایستی طواف کننده روی آن راه برود.

ششم: هفت دور متوالی و پی درپی دور خانه خدا بچرخد و کمتر از هفت دور کافی نیست. و به عمد بیش از هفت دور طواف را باطل می¬کند. چنان که خواهد آمد.

هفتم: طواف باید بین مقام ابراهیم(علیه اسلام) و خانه ی خدا باشد. یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود و مسافت آن تقریباً سیزده متر اندازه گیری شده است ونظر به این که حجر اسماعیل داخل مطاف است و آن تقریباً ده متر است پس در طرف آن بیش از سه متر نباید دور شد و در صورتی که عرفاً ممکن نباشد می توان دورتر از این مسافت طواف نمود با فاصله ای که طواف به دور خانه صدق بکند.

ص: ۷۲

احکام متفرقه طواف

مساله ۱۸۱) هر گـاه طـواف کننـده از مطـاف بیرون رفته و وارد کعبه شـود. طـوافش باطـل و اعـاده آن لازم است واگر بیرون رفتنش پس از شوط چهارم باشد بهتر این است که طواف خود را تمام نموده نمازش را بخواند سپس تکرار نماید.

مساله ۱۸۲) چنـان چه هنگـام طواف روی شـاذروان رفت آن مقـدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط این است که آن مقـدار را تـدارک نموده و طواف خود را تمـام نموده نمـازش را بخوانـد و سـپس طواف را دوباره انجام دهـد. و احتیاط این است که هنگام طواف دست خود را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز ننماید.

مسأله ۱۸۳) هر گاه طواف کننده در شوطی، وارد حجر اسـماعیل شود، آن دور باطل و لازم است تکرار شود. و بهتر این است که طواف را تمـام نموده و پس از خوانـدن نمـاز آن تکرار نمایـد. هم-چنین بنـابر احتیـاط بالاـ رفتن از دیوار حجر حکم وارد شدن در حجر را دارد.

ص: ۷۳

بلکه احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد.

مسأله ۱۸۴) هر گـاه طواف کننـده پیش از اتمـام شوط چهـارم بـدون عـذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطـل و تکرارش لازم است و چنـان چه موالات فوت نشود یـا خروجش پس از گذشـتن نیمی از طواف باشـد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده نمازش را بخواند سپس تکرار کند.

مسأله ۱۸۵) چنان چه در اثنای طواف حدثی از او سر بزند، جایز است بیرون رفته و تطهیر نماید و سپس برگشته و طواف خود را تمام نمایـد. و هم¬چنین بیرون رفتن از طواف برای بر طرف نمودن نجاست از بـدن یا لباس همین حکم را دارد و اگر زنی در اثنـای طـواف حـائض شـود واجب است طـواف را قطـع نموده وفوراً از مسـجد بیرون برود و حکم چنین افرادی در شـرایط طواف بیان شد.

مساله ۱۸۶) اگر طواف کننـده در طواف واجب به علت مرضـی یـا انجام کاری برای خود یا دیگری طواف را قطع کنـد. چنان چه پیش از تمام شـدن شوط چهارم باشـد ظاهر این است که باطل و لازم است آن را دوباره انجام دهد و اگر بعد از آن باشد، اظهر صحیح بودن آن است

و بنـابراین پس از برگشـتن طواف را از جـایی که قطع نموده به اتمام برسانـد و احتیاط مسـتحب این است که پس از اتمام آن نمازش را بخوانـد و دوباره آن را انجام دهـد و اما در طواف مسـتحبی جایز است آن را از جایی که قطع نموده به اتمام برساند اگرچه پیش از شوط چهارم بوده باشد چه قطع آن به علت های یاد شده باشد یا غیر آن ها.

مساله ۱۸۷) اگر طواف کننده جهت رسـیدن به وقت فضـیلت نماز واجب و یا رسـیدن به نماز جماعت و یا جهت خواندن نماز مسـتحبی که وقتش تنگ شـده باشد طواف را قطع کرد جایز است آن را پس از تمام شدن نمازاز جایی که قطع کرده به اتمام برساند. چه پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد و چه بعد از آن، چه طواف واجب باشد یا مسـتحب. بلی در صورتی که پیش از تمام شـدن شوط چهارم طواف واجب، آن را قطع کرده باشـد، احوط این است که پس از اتمام، نمازش را بخوانـد و آن را دوباره انجام دهد.

مساله ۱۸۸) نشستن در اثنای طواف جهت استراحت و رفع خستگی جایز است ولی باید به اندازه ای نباشد که موالات عرفیه از بین برود وگرنه طوافش باطل شده و لازم است از سر بگیرد.

نقص در طواف

مسأله ۱۸۹) هرگاه به عمد مقداری از طواف را کم کند و موالات فوت شود، طوافش باطل خواهد بود و چنان چه موالات فوت نشود، تا از مطاف بیرون نرفته می تواند کمبود را به جا آورد. و حکم بیرون رفتن عمدی از مطاف در گذشته بیان شد.

مسأله ۱۹۰) در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی بعضی از شوط های طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، چنان چه پیش از این که صدق عرفی پی درپی بودن آن از بین برود، بیادش آمد باقی مانده آن را به جا آورد طوافش صحیح است، و اگر پس از آن باشد در صورتی که مقدار فراموش شده یک یا دو یا سه شوط باشد،آن را به جا آورد طوافش صحیح است و اگر نتواند یا مشقّت داشته باشد، باقی مانده را خود به جا آورد

اگر چه به این علت باشد که کمبود طواف پس از برگشت به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود جهت به جا آوردن آن قرار دهد. و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنابر احتیاط باقی مانده را به جا آورد و نمازش را بخواند و دوباره آن را انجام دهد، و در صورت عدم امکان نایب بگیرد.

ص: ۷۷

زیادی در طواف

اشاره

مسأله ۱۹۱) زیادی عمدی در طواف چه یک دور باشد یا بیشتر و یا کمتر سه صورت دارد:

اوّل: شوط اضافی را به قصد این که جزو طواف باشد، انجام ندهد. که این دور اضافه ضرری به طواف نمی رساند.

دوم: شوط اضافی را جزو طواف دوم قرار دهد و طواف دوم را هم تمام نماید. اگر از ابتدای طواف اول یا در اثنای آن چنین قصدی داشته باشد حرام و مبطل طواف است و اگر بعد از تمام شدن طواف اوّل چنین قصدی بنماید بنابر احتیاط واجب طوافش باطل است.

سوم: در دور اضافی قصد جزئیت برای طوافی که کرده است، بنماید.اگر از اول این قصد را داشته، تمام طواف باطل است و هم چنین اگر در بین طواف یا بعد از تمام شدن این قصد را بنماید بنابر احتیاط واجب باطل می-شود.

مسأله ۱۹۲) هرگاه طواف خود را از روی سهو بیش از هفت شوط نماید، چنان چه زیادی طواف کمتر از یک شوط باشد آن را قطع نماید و طوافش صحیح است و چنان چه زیادی یک شوط یا بیشتر

ص: ۷۸

باشد احتیاط این است که باقی آن را تا یک طواف کامل شود به قصد قربت مطلقه تمام نماید.

ص: ۷۹

شک در عدد شوط ها

مسأله ۱۹۳) هرگاه شخصی بعد از اتمام طواف و گذشتن از محل آن شک نماید که آیا طوافش هفت شوط یا کمتر یا بیش تر بوده اعتنا به شک ننماید مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

مسأله ۱۹۴) هرگاه حاجی یقین داشته باشد که هفت شوط به جا آورده و شک کند که زیادتر بوده یا نه مثلًا احتمال بدهد که شوط آخری هشتم بوده، به شک خود اعتنا ننماید و طوافش صحیح است، مگر در صورتی که شکش قبل از تمامی شوط آخری باشد که در این صورت ظاهر این است که طوافش باطل می شود و احتیاط این است که به قصد رجا تمامش نموده و نمازش را بخواند سپس طواف را تکرار کند.

مسأله ۱۹۵) هرگاه شخصی بین شش و هفت یا پنج و شش و هم چنین عددهای قبل شک کند، حکم به بطلان طواف می شود و هم چنین اگر شک کند که آیا شش شوط به جا آورده یا هشت شوط که

نداند شوط آخر ششم است یا هشتم، که در این صورت طوافش باطل خواهد بود.

مسأله ۱۹۶) اگر برای شخص شک بین شش و هفت حاصل شود و بنا را به علت ندانستن حکم شرعی بر شش بگذارد و طواف را تمام کند و این ندانستن ادامه داشته باشد تا زمانی که وقت تدارک بگذرد مثل این که به وطنش برگردد، بعید نیست که طوافش صحیح باشد.

مسأله ۱۹۷) طواف کننده می تواند بر همراه خود در حفظ شماره شوط¬ها اعتماد کند در صورتی که همراهش یقین داشته باشد مثلاً در صورت شک اگر همراه انسان بگوید این شوط پنجم است می شود بر گفته او اعتماد نموده و دو شوط دیگر به جا آورد.

مسأله ۱۹۸) هرگاه در طواف مستحبی شک نماید بنا را بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۱۹۹) هرگاه شخص طواف را فراموش نموده و زمانی یادش آمد که قضایش ممکن است، با همان احرام اوّل قضایش نماید و نیازی به تجدید احرام نیست. بلی در صورتی که از مکه خارج شد و یک ماه یا بیش¬تر بر آن گذشته باشد، لازم است برای داخل شدن به

مکه احرام تازه ببندد و در هر صورت بنابر احتیاط لازم پس از اعاده طواف و نماز آن سعی را نیز اعاده نماید.

مسأله ۲۰۰) آن چه بر طواف کننـده حلال می شود، برفراموش کننـده طواف تا آن را شـخصاً یا نایبش قضا ننموده، حلال نمی شود.

مسأله ۲۰۱) هرگاه جهت بیماری یا شکسـتگی و مانند این ها شـخصاً نتواند طواف را به جا آورد، لازم است به کمک دیگری طواف را به جا آورد، هر چند به سوار شدن بر دوش او باشد. و چنان چه با کمک دیگری نیز نتواند طواف کند، واجب اسـت نـایب بگیردکه به جای او طواف کنـد. و هم چنین در نماز طواف که شـخص بایـد خودش به جا آورد و در صورت نتوانسـتن دیگری را نایب بگیرد. و حکم زن حائض و نفساء (زائو) در شرایط طواف بیان شد.

ص: ۸۲

نماز طواف

سومین واجب از واجبات عمره دو رکعت نماز طواف است که مانند نماز صبح است، ولی مکلّف مخیّر است که آن را بلند یا آهسته بخواند، و واجب است در نزدیکی مقام ابراهیم به جا آورده شود. و احوط، بلکه اظهر این است که پشت مقام باشد، و در صورت عدم امکان در نزدیکترین جای ممکن که عرفاً پشت مقام گفته شود به جا آورد. و این حکم نماز طواف واجب است و نماز طواف مستحب، در هر جای مسجد باشد، جایز است.

مسأله ۲۰۲) کسی که از روی علم و عمد نماز طواف را به جا نیاورده، بنابر احتیاط عمره اش باطل است. زیرا که بدون این نماز، سعی باطل خواهد بود.

مسأله ۲۰۳) نماز طواف بایستی بعد از طواف فوراً به جا آورده شود که در عرف نگویند یبن طواف و نماز فاصله شده است.

مسأله ۲۰۴) هر گاه شخص فراموش کرد نماز طواف را بخواند و بعد از سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، فوراً نماز طواف را بخواند و تکرار سعی واجب نیست اگر چه احوط است. و چنان چه در

اثنای سعی یادش بیاید، سعی را قطع و نماز طواف را در جایی که گفته شد، به جا آورده سپس سعی را از جایی که قطع کرده تمام نمایـد. و چنان چه بعـد از بیرون رفتن از مکه یادش بیایـد که نماز طواف را نخوانده، بایستی به مکه برگشـته و نماز را در جایی که گفته شـد، به¬جا آورد. و در صورتی که نتواند به مکه برگردد هرجا که یادش آمد به¬جا آورد. بلی اگر بتواند به حرم برگردد احتیـاط مسـتحب این است که برگشـته و نمـاز را در حرم به جـا آورد. و حکم کسـی که نمـاز طواف را به علت ندانستن مسأله ترک کرده، حکم کسی است که فراموشش کرده. و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر در این جا نیست.

مسأله ۲۰۵) هرگاه شخص نماز طواف را فراموش کند و بمیرد، بر ولی اش واجب است آن را قضا نماید.

مسأله ۲۰۶) هرگاه قرائت نماز گزار غلطی داشته باشـد، درصورتی که نتواند آن را درست کند اشـکالی در اکتفای به آن چه می توانـد، در نمـاز طـواف و غیرآن نیست و همـان انـدازه کـافی است، و چنـان چه می توانـدآن را درست کنـد، لازم است تصـحیح نمایـد. و چنان چه در این کار اهمال و سـهل انگاری کرد تا وقت تنگ شـد، احوط این است که به اندازه ای که می تواند نماز طواف را به جا آورد و نایب نیز بگیرد.

سعی

اشاره

چهارمین واجب از واجبات عمره سعی بین صفا و مروه است. و خود یکی از ارکان است که اگر عمداً ترک شود، عمره باطل خواهد بود، خواه علم به حکم داشته یا جاهل به حکم باشد. و قصد قربت در سعی معتبر است. ولی ستر عورت و طهارت از حدَث یا خبث در آن معتبر نیست. بلی بهتر این است که طهارت رعایت شود.

مسأله ۲۰۷) سعی باید بعد از طواف و نماز آن به جا آورده شود. و اگر پیش از طواف یا نماز آن به جا آورده شود، لازم است بعد از آن ها تکرار شود. و حکم کسی که طواف را فراموش کند و بعد از سعی یادش بیاید، پیشتر گفته شد.

مسأله ۲۰۸) نیّت در سعی معتبر است به این معنی که اگر در عمره است، به نیت عمره و اگر در حج است، به نیّت حج قربةً الی الله به جا آورده شود.

معنای سعی

رفت و آمد بین صفا و مروه را سعی گویند. صفا در یک طرف و مروه در طرف دیگر قرار دارد و تمام سعی هفت شوط است. بنابراین سعی از صفا شروع و در شوط هفتم به مروه ختم می شود. و احتیاط لازم در این است که موالات(پی در پی بودن) را مراعات کند. به طوری که فاصله قابل اعتنایی، در بین شوط-ها حاصل نشود. و وقتی حاجی بخواهد از مسجدالحرام به مسعی برود، صفا طرف دست راستش قرار می گیرد.

مسأله ۲۰۹) هرگاه حاجی سعی را از مروه شروع کند، اگر یک شوط به جا آورده یعنی از مروه به صفا رسیده، باید آن را لغو دانسته و از صفا شروع نماید، و چنان چه بعد از شوط اول باشد، مثل این که در بین راه صفا و مروه در شوط دوم باشد، بنابر احتیاط آن را نیز لغو نموده و سعی را از صفا از سر بگیرد.

مسأله ۲۱۰) لازم نیست رفت و آمد (سعی) بین صفا و مروه، پیاده باشد. بنابراین سعی سواره بر حیوان یا دوش انسان یا چرخ هایی که

فعلاً در آن جا متداول است، جایز است. ولی در هر حال باید ابتدایش از صفا و ختم به مروه باشد.

مسأله ۲۱۱) لازم است رفت و آمد بین صفا و مروه از راه متعارف باشد، و اگر از صفا، داخل مسجد یا راه دیگری به سوی مروه برود کافی نیست. ولی انجام آن در مسعی در صورتی که عرفاً بین صفا و مروه باشد، جایز است، و لازم نیست سعی در یک خط مستقیم باشد.

مسأله ۲۱۲) واجب است هنگام توجه به مروه آن را روبه روی خود قرار دهد. و هم¬چنین در بازگشت از مروه به صفا، باید متوجه به صفا باشد. پس اگر هنگام سعی به طور عقب گرد برود، کفایت نمی کند. ولی التفات به طرف راست و چپ و پشت سر، هنگام سعی عیبی ندارد. هم چنان که در بالای صفا و مروه عقب عقب رفتن اشکالی ندارد.

مسأله ۲۱۳) نشستن روی صفا یا مروه یا در بین آن ها به جهت استراحت عیبی ندارد، گر چه احوط این است که بین آن دو ننشیند.

احکام سعی

مسأله ۲۱۴) هرگاه سعی از روی فراموشی ترک شود، هر وقت یاد شخص بیاید باید به جا آورد. هر چند یاد آمدنش پس از فراغت از اعمال عمره باشد. و کسی که شخصاً نتواند یا برایش مشقّت داشته باشد، بایستی نایب بگیرد و عمره اش در هر دو صورت صحیح خواهد بود.

مسأله ۲۱۵) کسی که شخصاً پیاده یا سواره نتواند سعی را به جا آورد، دیگری را نایب بگیرد که به جای او سعی کند و حج و عمره اش صحیح است.

مسأله ۲۱۶) احتیاط این است که بعد از طواف و نماز آن بدون ضرورت مانند شدّت گرما یا خستگی زیاد، تأخیر نکند، اگر چه اقوی این است که می-تواند سعی را تا شب تأخیر کند، بلی در حال اختیار نباید سعی را به فردا بیندازد.

مسأله ۲۱۷) زیادی در سعی مانند زیادی در طواف سبب بطلان خواهد بود، اگر از روی علم و عمد باشد، چنان که در طواف گذشت.

بلی اگر جاهل به حکم باشد، اظهر این است که سعی اش باطل نمی شود، هر چند احتیاط در تکرار آن است.

مسأله ۲۱۸) هرگاه از روی خطا در سعی خود زیاد نمود، سعی اش درست است. ولی اگر زیادی یک شوط کامل باشد، مستحب است که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم طبعاً به صفا خواهد بود، و چنان چه زیادی بیش از یک شوط باشد، تمام نمودن آن به قصد رجا عیبی ندارد.

مسأله ۲۱۹) چنان چه شخصی از روی فراموشی، مقداری از سعی در عمره را کم نموده و به اعتماد این که از سعی فارغ و مُحل شده است، با زنش نزدیکی نماید دراین صورت احوط، بلکه اظهر این است که یک گاو کفاره بدهد و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد، تمام نماید.

ص: ۸۹

شک در سعی

مسأله ۲۲۰) شک در عدد اشواط سعی پس از تقصیر اعتبار ندارد. و جمعی از فقها فرموده اند که شک در عدد اشواط بعد از سعی هر چند پیش از تقصیر باشد، اعتبار ندارد. و این کلام خالی از وجه نیست و لکن احتیاط ترک نشود.

مسأله ۲۲۱) اگر هنگامی که در مروه است شک کند که شوط آخری هفتم است یا نهم، اعتنا به شک خود ننماید، و سعی اش صحیح خواهد بود. و چنان چه این شک در اثنای شوط باشد، یعنی هنوز به مروه نرسیده چنین شکی کند، سعی اش باطل و لازم است سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۲۲۲) حکم شک در عدد اشواط سعی، مانند حکم شک در عدد اشواط طواف است. پس هر گاه شک کند در عدد اشواط، سعی باطل می شود.

ص: ۹۰

تقصیر

پنجمین واجب از واجبات عمره مفرده، تقصـیر است. یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست و یا پا، یا چیدن مقداری از موی سـر یا ریش یا سِبیل. و قصد قربت در تقصیر معتبر است. و کندن مو در تقصیر کافی نیست.

مسأله ۲۲۳) هر گاه بعـد از سـعی و پیش از تقصـیر، با زنی نزدیکی و جماع کنـد و جاهل به حکم باشد، بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۲۲۴) تقصیر، پیش از تمامی سعی حرام است. و چنان چه کسی پیش از فراغت از سعی، تقصیر نماید، باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۲۵) لازم نیست تقصـیر، بعـد از سـعی بلافاصـله به جا آورده شود. و شـخص می توانـد هر جا دلش خواست، خواه در مسـعی یـا در منزل یـا جـای دیگر تقصـیر نمایـد. ولی تا تقصـیر نکرده هیـچ یک از محرّمات احرام بر او حلال نمی شود وقتی تقصیر کرد همه محرمات به جزء زن و بوی خوش حلال می شوند.

مسأله ۲۲۶) محرم قبل از این که خودش تقصیر کند نمی تواند دیگری را تقصیر نماید و اگر تقصیر کرد مجزی نخواهد بود.

ص: ۹۲

طواف نساء

ششمین واجب از اعمال عمره مفرده طواف نساء است.

مسأله ۲۲۷) پس از تقصیر یا حلق، واجب است هفت دور به نیت طواف نساء به دور خانه کعبه بگردد و پس از آن دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم به نیت نماز طواف نساء به جا آورد.

مسأله ۲۲۸) طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، بجز در نیت؛ بنابراین، این طواف نیز باید از حجرالاسود شروع شود و به همان جا ختم گردد و هنگام طواف سمت چپ او به سمت کعبه باشد و شرایطی را که برای طواف عمره گفته شد، مراعات کند.

مسأله ۲۲۹) طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهّل و مجرد، و حتی کودکان ممیز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود، بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر کودک غیر ممیز را محرم کرده-اند، ولیّ او همراه او طواف نساء را به جا آورد.

مسأله ۲۳۰) اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا جهالت، یا فراموشی عمره مفرده او باطل نیست و کفّاره هم ندارد ولی زن بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولیّ او قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۲۳۱) اگر شخصی، طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد، باید همه را به تعداد ترک شده مستقلاً به جا بیاورد و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن زن برای او حلال نمی شود.

مسأله ۲۳۲) طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج و عمره نمی گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده واجب است، و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود؛ بلکه به خواستگاری رفتن و شاهد عقد شدن نیز بنابر احتیاط واجب بدون طواف نساء جایز نیست.

مسأله ۲۳۳) هرگاه زنی که طواف نساء را به جا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف

نساء و نماز آن نایب بگیرد (هم چنین کسان دیگری که به سبب بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند).

مسأله ۲۳۴) هرگاه طواف نساء را فراموش کند و از عمره مفرده بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و به جا آورد، و چنان¬چه ممکن نباشد، یا مشقّت داشته باشد نایب بگیرد، و پس از آن که نایب طواف نساء و نماز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می شود.

مسأله ۲۳۵) کسی که طواف واجب (اعمّ از طواف عمره، یا طواف نساء) را فراموش کند، و به وطن بازگردد، و با همسر خود نزدیکی نماید، هرگاه از روی فراموشی و جهل به مسأله باشد کفّاره ندارد، ولی اگر مسأله را می دانسته و عمداً مرتکب آن شده باید کفّاره بدهد، و کفّاره آن در محرّمات احرام گذشت. و مانند مسأله قبل عمل می نماید.

سؤال ۲۳۶) نیت نایب در طواف نساء چگونه است؟

جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الذّمه کند.

ص: ۹۵

سؤال ۲۳۷) آیا می توان چند روز پس از سعی و تقصیر، طواف نساء را به جا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی و تقصیر به جا آورد؟

جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۸) مردی به همسرش گفت: «وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال به جا آوری!» زن نیز به همین نیت طواف کرد. آیا کفایت می کند؟

جواب: چون منظورش انجام وظیفه مربوط به حج یا عمره بوده، مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۹) شخصی پس از بازگشت از مکّه شک می کند که طوافِ نساءِ عمره مفرده را به جا آورده یا نه، وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر اجمالاـ توجه به وجوب طواف نساء داشته، می گوید انجام داده ام، و اگر از وجوب آن اطّلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند، نایب بگیرد.

سؤال ۲۴۰) شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفاره دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب کفّاره دارد؛ ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفّاره ندارد.

سؤال ۲۴۱) اگر نایب طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می شود، یا علاوه بر آن ذمّه اش نیز مشغول است، که حتی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟

جواب: ذمّه او مشغول است؛ باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

سؤال ۲۴۲) آیا طواف نساء بر پیر مردان و پیر زنانی که عرفاً قادر بر آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی کنند، و نیز کسانی که عنین هستند، واجب است؟

جواب: همه باید انجام دهند.

سؤال ۲۴۳) زن و شوهری به مکه مشرف شده، و مناسک را به¬جا آورده اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آن ها را به جا نیاورده، و به وطن بازگشته اند. حکم این زوجین از نظر محرمیت و زندگی در یک خانه چیست؟

ص: ۹۷

جواب: این زن و شوهر فقط نمی توانند با هم مناسبات و استمتاعات جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را به جا آورند، و اگر خودشان نمی توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند؛یعنی از کسانی که به مکّه می روند خواهش کنند که به نیابت از آن¬ها طواف نساء و نماز آن را به جا آورند.

سؤال ۲۴۴) آیا منظور از این که می فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می شود؟

جواب: سایر استمتاعات را شامل نمی شود.

سؤال ۲۴۵) هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می برد؟

جواب: در هر حال فرزند او مشروع است، و از آن ها ارث می برد.

سؤال ۲۴۶) کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟

جواب: عقد او باطل است، و چنان چه علم به حکم داشته، آن زن بر او حرام ابدی می شود.

ص: ۹۸

سؤال ۲۴۷) کسـی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده، و پس از آن حـجّ اِفراد به جا آورده است، آیا طواف نساء حجّ اِفراد کفایت می کند؟

جواب: کفایت نمی کند.

سؤال ۲۴۸) شخصـی طواف نسـاء عمره مفرده را فراموش کرده، و برای عمره تمتّع محرم شـده است. طواف مـذکور را پس از انجام عمره تمتّع به¬جا آورد، یا قبل از آن؟

جواب: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتّع به جا آورد.

مستحبات سفر

شخصی که اراده سفر مکه یا سفر دیگر را دارد مستحب است که از حضرت حق جل و علا طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید و وقتی که برای مسافرت مهیا شده، مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی فاتحه الکتاب و سوره توحید را بخواند و بگوید:

(اللَّهُمَّ إنِّی أتَقَرَّبُ إلَیکَ بِهِنَّ فَاجعَلهُنَّ خَلیفَتی فی أهلِی وَ مَالی).

و مستحب است به درب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و طرف چپ سوره فاتحه و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید:

(اللَّهُمَّ إحفَظنی و احفَظ مَا مَعیَ وسَّلِمنی وَ سَلِّم مَا مَعیَ وَ بَلِّغنی وَ بَلِّغ مَا مَعیَ بِبَلاغِکَ الحَسَنِ الجَمیلِ).

ص: ۱۰۰

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱) قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲) کسی که قصد حج را دارد از اول ماه ذی القعده و شخصی که قصد عمره مفرده کرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده اند و این قول اگر چه ضعیف است ولی أحوط است.

۳) پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است مقدم کردن این غسل به خصوص در صورتی که بیم آن باشد در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را تکرار نماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام ست باز هم تکرار مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی

ص: ۱۰۱

اگر پس از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر مبتلا شد غسل را تکرار نماید.

۴) هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

(الحَمد للّهِ الَّذی رَزقَنی مَا اُواری بِه عَورَتی واُودِّی فیهِ فَرضی وَأعبُدُ فیهِ رَبّی و أنتَهی فیه الی مَا اَمَرَنی الحَمدُ للّهِ الَّذی قَصَدتُهُ فَبَلَّغَنی وأرَدتُهُ فَأعانَنی وَ قَبِلَنی وَ لَم یَقطَع بی وَوَجهَهُ أرَدتُ فَسَلَّمَنی فَهُوَ حِصنی وَ کَهفِی و حِرزی وَ ظَهری وَ مَلاذی وَرَجائی وَ مَنجای وذُخری وَ عُدَّتی فی شِدَّتی وَرَخائی).

۵) دو جامه احرام از پنبه باشد.

۶) احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت توانایی پس از فریضه ظهر و در صورت عدم توانایی پس از فریضه دیگر و در صورت عدم توانایی از آن پس از شش یا دو رکعت نماز نافله در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخواند و شش رکعت أفضل است و پس از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

۷) به نیت احرام تلفظ نموده و به اخطار یا مجرد انگیزه نفسانی اکتفا ننماید و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند:

۸) در گذشته متذکر شدیم که تلبیه واجب که احرام به آن محقق می¬شود بنابر احوط این است:

(لَبَّیکَ اللَّهُمَّ لَبَّیک لَبَّیکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ إن الحَمدَ وَ النِّعمَهَ لَکَ وَالمُلکَ لا شَریکَ لَکَ).

ومستحب است پس از آن بگوید:

(لَبَّیکَ ذَا المَعارِجِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ داعیاً إلی دارِ السَّلام لَبَّیکَ لَبَّیکَ غَفَّارَ الذُنوبِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ أهلَ التَلبیهِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ ذَا الجَلالِ وَالإکرام لَبَّیکَ لَبَّیکَ تُبدِیءُ وَالمَعادُإلَیکَ لَبَّیکَ لَبَّیکَ تَستَغنی وَ یُفتَقَرُإلَیکَ لَبَّیکَ لَبَّیکَ مَرغوباً وَ مَرهوباً إلَیکَ لَبَّیکَ لَبَّیکَ إلهَ الحَقِّ لَبَّیکَ لَبَّیکَ ذَا النَعماءِ وَ الفَضلِ الحَسَنِ الجَمیلِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ کَشّافَ الکُرَبِ العِظامِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ عَبدُکَ وَ ابنُ عَبدَیکَ لَبَّیکَ لَبَّیکَ یا کَریم لَبَّیکَ).

و گفتن این جملات نیز خوب است:

(لَبَّیکَ اَتَقَرَّبُ إلَیکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیکَ لَبَّیکَ بعُمرَهٍ لَبَّیکَ لَبَّیکَ أهلَ التَّلبِیهِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ تَلبِیهً تَمامُها وَ بَلاغُها عَلَیکَ).

۹) تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده، وقت بر خواستن از خواب، پس از هر نماز واجب و مستحب، وقت رسیدن به سواره هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن وقت

سوار شدن یا پیاده شدن و در أوقات سحر تلبیه بسیار بگوید، و زن حائض و نفساء این تلبیه ها را بگویند و شخص متمتع لبیک گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند و پس از آن قطع خواهد شد و اما در حج تلبیه تا ظهر روز عرفه است و پس از آن قطع خواهد شد.

ص: ۱۰۴

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱.احرام در جامه سیاه بلکه أحوط ترک آن است و أفضل احرام در جامه سفید است.

۲.خوابیدن محرم در رخت و بالش زرد رنگ.

۳.احرام بستن در جامه ی چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴.احرام بستن در جامه ی راه راه.

۵.به کار بردن حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶.حمام رفتن و أولی بلکه أحوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و نحو آن نساید.

۷.لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید بلکه احوط ترک آن است.

ص: ۱۰۵

مستحبات داخل شدن به حرم

۱- همین که حاجی به حرم رسید پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل علا پا برهنه شده و کفش های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ وَ قَولُکَ الحَقُّ وَأذِّن فی النّاسِ بالحَجِّ یأتُوکَ رِجالا وَ عَلی کُلِّ ضَامِرٍ یَأتینَ مِن کُلِّ فَجّ عَمیقٍ اللَّهمَّ إنِّی أرجُوُ أن أکُونَ مِمَّن أجاب دَعوَتَکَ قَد جئتُ مِن شُقَّةٍ بَعیده وَ فَجّ عَمیقٍ سامِعاً لِندائِکَ وَ مُستَجیباً لَک مُطیعاً لأمرِک وَ کُلُّ ذلِکَ بِفَضلِکَ عَلیَّ وَإحسانِکَ إلیَّ فَلَکَ الحَمدُ عَلی مَا وَفَّقتَنی لَهُ أبتَغی بِذلِکَ الزُّلفَهَ عِندَکَ وَالقُربَه إلَیکَ وَ المَنزلَهَ لَدَیکَ وَ المَغفِرَهَ لِذُنوبِی وَ التَّوبَهَ عَلیَّ مِنهَا بِمَنِّکَ اللَّهُمَّ صَلِّ علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّم بَدَنِی علی النَّار وَ آمِنِّی مِن عَذابِکَ وَ عِقَابِکَ برَحمَتِکَ یا أرحَمَ الرَّاحِمینَ).

ص: ۱۰۶

۴- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) را گرفته آن را بجود.

مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

برای داخل شـدن به مکه معظمه نیز مسـتحب است مکلف غسل بنمایـد و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب مسجد الحرام و مکه معظمه

مستحب است مکلف برای داخل شدن به مسجد الحرام غسل نماید و هم چنین مستحب است با پای برهنه و با حالت وقار وارد شود و هنگـام ورود از در – بنی شـیبه وارد شود و گفته انـد که باب بنی شـیبه در حال کنونی مقابل باب السـلام است بنابراین نیکو این است که شـخص از باب السـلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از اسطوانات بگذرد و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

(السَّلامُ عَلَیکَ أیَّهَا النَّبیُّ وَ رَحمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ بِسم اللهِ و بِاللهِ وَ مَاشاءَ اللهِ السَّلامُ عَلی أَنبیاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلی إبراهِیمَ خَلیلَ اللهِ وَ الحَمدُ للهِ رَبِّ العَالَمینَ).

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

(اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ فی مَقامی هذا وَ فی أوَّلِ مَناسِکی أن تَقبَلَ توبَتی وَ أن تَتَجاوَزَ عَن خَطِیئَتی وَ أن تَضَعَ عَنّی وِزرِی الحمدُ للهِ الَّذِی بَلَّغَنی بَیتَه الحَرامَ اللّهُم إنّی اُشهِدُکَ أنَّ هذا بَیتُکَ الحَرامُ الَّذِی جَعَلتَهُ مَثابَهً لِلنّاس وَ أمناً مُبارَکاً وَ هُدیً لِلعَالَمین اللّهُمَّ إنّی عَبدُکَ وَ البَلَدُ بَلَدُکَ وَ البَیتُ بَیتُکَ جِئتُ أطلبُ رَحمَتَکَ وَ أؤمُّ طَاعَتَکَ مُطیعاً لأمرِکَ راضِیاً بقَدَرِکَ أسألُکَ مَسألَهَ الفَقیرِ إلَیکَ الخَائِفِ لِعُقوبَتِکَ اللّهُمَّ افتَح لی أبوابَ رَحمَتِکَ وَ استعمِلنی بِطَاعَتِکَ وَ مَرضاتِکَ).

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

(بِسم الله و بِالله وَ مِنَ الله وَ إلی الله وَ مَاشاءَالله وَ عَلی مِلَّهِ رَسُولِ الله صلّی الله عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ خَیرُ الأسماءِ لله وَ الحَمدُ لِلهِ وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِ الله السَّلامُ عَلی مُحَمدِ بن عَبدِالله السَّلامُ عَلَیکَ أیُّها النَّبیُّ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُه السَّلامُ عَلی أنبیاء الله وَ رُسُلِه السَّلام عَلی ابراهیمِ خَلیل الله الرَّحمن السَّلام علی المرسلین اَلحَمدُلله رَبِّ العَالَمینَ السَّلامُ

ص: ۱۰۸

عَلینَا وَ عَلی عِبادِ الله الصالحین اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آل مُحَمَّد وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ ارحَم مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد کَمَا صَلَّیتَ وَ بارَکتَ وَ تَرَحَّمتَ عَلی إبراهیمَ وَ آلِ إبراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مجیدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی إبراهیمَ خَلیلِکَ وَ عَلی أنبیائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ سَلِّم عَلَیهم وَ سَلامٌ عَلی المُرسَلینَ و الحَمدُ لله رَبِّ العَالَمینَ اللَّهُمَّ افتَح لی أبوابَ رَحمَتِکَ وَ استَعمِلنی فی طَاعَتِکَ وَ مَرضاتِکَ وَ احفَظنی بحِفظِ الإیمَانِ اَبداً مَا أبقَیتَنی جَلَّ ثَناءُ وَ جهکَ الحَمدُ لله الَّذِی جَعَلَنی مِن وَفدِهِ وَ زوّارِه وَ جَعَلَنی مِمَّن یَعمُر مَساجِدَه وَجَعَلَنی مِمَّن یُناجیه اللَّهُمَّ إنَّی عَبدُکَ وَ زائِرُکَ فی بیتِکَ وَ عَلی کُلِّ مَأتیّ حَقٌّ لِمَن أتاهُ وَزارَهُ وَ أنتَ خَیرُ مَأتی وَ أکرَمُ مَزُورٍ فأسأَلُکَ یَا الله یَا رَحمنُ بأَنَّکَ أنتَ الله لا إلهَ إلّا أنتَ وَحدَکَ لا شَریکَ لَکَ و بأنّکَ واحِدٌ أحدٌ صَمدٌ لَم تَلِد وَ لَم تُولَد وَ لَم یَکُن لَهُ کُفواً أحدٌ وَ أنّ مُحَمَّداً عَبدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلی الله عَلَیه وَ عَلی أهلِ بَیتِهِ یَا جَوادُ یَا کَریمُ یُا مُاجِدُ یُا جَبَّارُ یَا کَریمُ أسأَلُکَ أن تَجعَلَ تُحفَتَکَ إیّایَ بزیارَتی إیَّاکَ أوَّل شَیءٍ تُعطینی فَکاکَ رَقَبَتی مِن النَّارِ). سپس سه مرتبه می¬گوید: اللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتی مِن النَّارِ در ادامه بگوید: (وَ اَوسِع عَلیَّ مِن رِزقِک الحَلالِ الطَّیِّبِ وادرَأ عَنّی شَرَّ شَیاطینِ الجِنِّ وَ الإنسِ وَ شَرَّ فسقَه العَرَبِ وَ العَجَمِ).

و مستحب است وقتی که محاذی و برابر حجرالأسود شد بگوید:

(أشـهَدُ أن لا إلهَ إلاَ الله وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرسُولُهُ آمَنتُ بِالله وَ کَفَرتُ بِالجبتِ وَ الطَاغُوتِ وَ اللّات وَالعُزّی وَ بِعِبادَةِ الشَیطَانِ وَ بِعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدعی مِن دُونِ الله).

پس نزدیک حجرالأسود رفته و آن را استلام نماید و بگوید:

(الحَمدُ لِله الَّذِی هَدانا لِهذا وَما کُنَّا لِنَهتَدِیَ لَولا أن هَدانا الله سُبحانَ الله وَ الحَمدُ لِله وَ لا إلهَ إلّا الله وَ الله أکبَرُ الله اَکبَرُ مِن خَلقِهِ وَ الله أکبَرُ مِمَّا أخشی و أحـذَرُ لا إلهَ إلّا الله وَحـدَهُ لا شَـریکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمـدُ یُحیی وَیُمیتُ ویُمیتُ ویُحیی و هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیرُ و هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیر).

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و نیز سلام بر پیغمبران بدهد چنان¬چه وقت داخل شدن به مسجد سلام داد آن گاه می¬گوید: (إنِّی اُومِنُ بِوَعـدِکَ وَ أوُفی بِعَهـدِکَ) و در روایت معتبر وارد است وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای إلهی را به جا آور. و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که عمره تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و

ص: ۱۱۰

اگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نما. و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

(اللَّهُمَّ أمانتی أدَّیتُها وَ مِیثاقی تَعاهَدتُهُ لِتَشهَدَ لی بِالمُوافاه اللَّهُمَّ تَصدِیقاً بِکِتابک و عَلی سُنَّهِ نَبِیِّکَ صَلَواتکَ عَلَیه وَ آلِه أشهَدُ أن لاـ إلهَ إلاّـ الله وَحدَهُ لاـ شَریک لَهُ وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبدهُ وَرَسُولُه آمَنتُ بالله وَ کَفَرتُ بالجبتِ وَ الطاغوتِ وَ اللّاتِ وَ العُزّی وَ عِبادَهِ الشَّیطانِ وَ عِبادَهِ کُلّ نِدٍ یُدعی مِن دُونِ الله).

و اگر بتوانی همه را بخوان و گرنه برخی را بخوان و بگو:

(اللَّهُمَّ إلَیکَ بَسَطتُ یَدِی وَ فیمَا عِندَکَ عَظُمَت رَغبَتی فَاقبَل سَبحَتی و اغفر لی و ارحَمنی اللَّهُمَّ إنِّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الکُفرِ وَ الفقرِ وَ مواقِف الخِزی فی الدُّنیا وَ الآخِره).

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف مستحب است بگوید: (اللَّهُمَّ إنَّی أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی یُمشی بِهِ عَلی طَلَلِ المَاءِ کَمَا یُمشی بِهِ عَلی جُدَدِ الأرض و اسألُکُ باسمِکِ الَّذی یهتز له عرشک وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی تَهتَزُّ له أقدامُ مِلائِکَتِکَ وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی دَعَاک بِهِ مُوسی مِن جَانِب الطُّورِ فاستَجَبتَ لَهُ وَألقَیتَ عَلَیهِ مَحَبَّةً مِنکَ وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی غَفَرتَ بِهِ لمحمَّد مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وَ مَا تَأخَّرَ وَ أتَمتَ عَلَیهِ نِعمَتِکَ أَنْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ).

و جاجت خود را طلب نماید و نیز مستحب است در حال طواف بگوید: (اللَّهُمَّ إنَّی إلیکَ فَقیرٌ وَ إنِّی خائِفٌ مُستَجیرُ فَلا تُغَیِّر جِسمی وَ لا تُبَدِّل إسمی). و صلوات بر محمد و آل او بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه می¬رسد و وقتی که به حجر اسماعیل رسید به ناودان نگاه نمود بگوید: (اللَّهُمَّ أدخِلنی الجَنَّهَ وَ أجرنی مِن النَّار بِرَحمَتِکَ وَ عَافِنی مِنَ السُّقمِ وَ أوسِع عَلیَّ مِنَ الرِّزقِ الحَلالِ وَ ادرأ عَنِّی شَرَّ فَسَقَهِ الجِنَّ وَ الإنسِ وَ شَرَّ فَسَقَهِ العَرَبِ وَ العَجَمِ). و چون

از حجر بگذرد بگوید: (یَا ذَا المَنِّ وَ الطَّولِ یَا ذَا الجُودِ وَ الکَرَمِ إنَّ عمَلی ضَعیفٌ فَضاعِفهُ لی وَ تَقبَّله منِّی إنَّکَ أنتَ السمیعُ العَلیمُ). و چون به رکن یمانی برسد دست بر دارد و بگوید: (یَا اللهُ یَا وَلیَّ العَافِیه وَ خَالقَ العَافِیه وَ رازِق العَافِیه وَ المنعِم بالعَافِیه و المُتفضِّل بالعَافِیه عَلیَّ وَ عَلی جمیع خَلقکَ یَا رَحمنَ الدُّنیا و الآخِرِه وَ رحیمَهما صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد وَ ارزُقنا العافیهَ وَ تَمامَ العَافِیه وَ شُکرَ العَافِیه فی الدُّنیا وَ الآخِرَه یَا أرحَمَ الرَّاحِمین) پس سر به سمت کعبه بالا کند و بگوید: (الحَمدُللهِ الَّذی شَرَّفكِ وَ عظَّمكِ وَ الحَمدُللهِ الَّذی بَعَثَ مُحَمَّداً نبیًّا وَ جعلَ عَلیّاً إماماً اللَّهُمَّ أهدِ لَهُ خیارَ خَلقکَ وَ جنِّبهُ شِرارَ خَلقکَ). و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید: (رَبَّنا آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَةً وَ فی الآخره حَسَنَه وَ قِنا عَذابَ النَّار).

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

(اللَّهُمَّ البیتُ بَیتُکَ وَ العَبدُ عَبدکَ وَ هذا مکانُ العَائِذ بِکَ مِنَ النَّار).

ص: ۱۱۳

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

(اللَّهُمَّ مِن قِبَلِکَ الروحُ و الفَرجُ و العَافیهُ اللَّهُمَّ إنَّ عملی ضعیفٌ فضاعِفهُ لی و اغفرلی ما اطَّلعتَ عَلیهِ مِنّی وَ خَفیَ عَلی خَلقکَ أستجیرُ بِالله مِن النَّار).

و آن چه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده طواف خود را تمام نموده و بگوید:

(اللَّهُمَّ قَنِّعنی بِمَا رَزَقتَنی وَ بارِک لی فِیمَا آتَیتَنی). و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام و در وقت استلام حجر بگوید: (أمانَتی أدَّیتُها وَ میثاقی تَعاهدتُهُ لِتشهَد لی بالموافاه).

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخواند، و پس از نماز حمد و ثنای إلهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداند عالم طلب قبول نماید، و در بعضی روایات است که حضرت صادق(علیه اسلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

(سَجَدَ لَکَ وَجهی تَعبُّداً و رِقّاً لا إلهَ إلاّ أنتَ حَقّاً حَقّاً حَقّاً الأولُ قَبلَ کُلِّ شَیءٍ وَ الآخِرُ بَعدَ کُلِّ شَیءٍ وَ ها انا ذا بَینَ یَدیکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ فَاغفِرلی إنَّهُ لا یَغفِرُ الذَنبَ العَظیمَ غَیرُکَ فَاغفِرلی فَإنّی مُقرٌّ بذنوبی عَلی نَفسی وَ لا یَدفَعُ الذَنبَ العَظیمَ غَیرُک).

و پس از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد، و پس از تمام کردن نماز طواف و پیش از سعی، مستحب است به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو سطل آب بکشد و آن را به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: (اللّهُمَّ اجعَلهُ عِلماً نافِعاً وَ رِزقاً واسِعاً وَ شِفاءً مِن کُلِّ داءٍ وَ سُقمٍ).

ص: ۱۱۵

مستحبات سعی

مستحب است که از درب مقابل حجرالأسود به سمت صفا (با رعایت وقار و آرامش) خارج شود و وقتی بر صفا بالا رفت به کعبه نگاه کند، و به سمت رکنی که حجرالأسود در آن است متوجه شود و خدای را حمد و ثنا گوید و نعمت های الهی را به یاد آورد، سپس هفت مرتبه (أللهُ أکبرُ) بگوید، هفت مرتبه (الحمد لله) بگوید، و هفت مرتبه (لا إله إلاّ الله) بگوید، و سه مرتبه (لا إله إلاّ اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ یُحیی وَ یُمیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لایَموتُ، بِیَدِهِ الخَیرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرُ) بگوید.

سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، بعد سه مرتبه بگوید: (اللهُ أکبَرُعَلی مَا هَدانا وَ الحَمدُللهِ عَلی مَا أولانا وَ الحَمدُللهِ الحَیّ القُیّوم، وَ الحَمدُللهِ الدائمِ).

سپس سه مرتبه بگوید: (أَشهَدُ أن لا إلهَ إلاّ اللهُ وَ أشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ رَسولُهُ، لا نَعبُدُ إلّا إیّاهُ، مُخلِصینَ لَهُ الدّینُ و لَوکَرِهَ المُشرِکون).

ص: ۱۱۶

سپس سه مرتبه بگوید: (اللَّهُمَّ إنّی أسألُکَ العَفوَ وَ العَافِیَهَ وَ الیَقینَ فی الـدُّنیا وَالآخِرَهِ). و سه مرتبه بگوید: (اللَّهُمَّ اتنَا فی الـدنیَا حَسنَهً وَ فی الآخره حَسَنَهً وَ قِنا عذَاب النارِ).

سپس صد مرتبه (اللهُ أکبر)، و صد مرتبه (لا إله إلاّ اللهُ)، صد مرتبه (الحَمدُ للهِ)، و صد مرتبه (سُبحانَ الله) بگوید،

سپس چنین بگوید:

(لا الهَ إلاّ الله وَحدَهُ وَحدَهُ أنجَزَ وَ عدَهُ، و نصَرَ عَبدَهُ، وَ غَلَب الأحزابَ وَحدَهُ فَلَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ وَحدَهُ وَحدَهُ، اللَّهُمَّ بارِک لی فی المَوتِ وَ فیما بَعدَ المَوتِ، اللَّهُمَّ إنّی اَعُوذُ بِکَ مِن ظُلمَهِ القَبرِ وَوَحشَتِه، اللَّهُمَّ أظِلّنی فی ظِلِّ عَرشِکَ یَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّکَ).

و دین و خویشتن و اهل و عیال خود را به خدا بسپارد (و این کار را زیاد کند) پس بگوید: (أستَودِعُ اللهَ الرَّحمنَ الرَّحیمَ الّذی لا تَضیعُ وَدائِعُهُ دینی وَ نَفسی وَ أهلی، اللَّهُمَّ استَعمِلنی عَلی کِتابکَ وَ سُنّه نِبیّکَ وَ تَوَفّنی عَلی مِلّتِهِ وَ أعِذنی مِنَ الفِتنَهِ).

ص: ۱۱۷

سپس سه مرتبه (اللهُ اکبَرُ) بگوید، و آن را دو بار تکرار کند، و یک بار نیز تکبیر بگوید، و بعد آن را تکرار کند، و اگر همه آن را نتواند پس مقداری را که می تواند انجام دهد.

از امیرالمؤمنین(علیه اسلام) روایت شده است که آن حضرت وقتی به صفا بالا می رفت به سمت کعبه روی می کرد و بعد دو دست خود را بلند می کرد سپس می گفت:

(اللَّهُمَّ اغفِر لی کُلَّ ذَنبٍ اذنَبتُهُ قَطُ فَإن عُدتُ فَعُد عَلَيَّ بِالمَغفِره، فَإنَّکَ أَنتَ الغَفوُرُ الرَّحیمُ، اللَّهُمَّ إفعَل بی ما أنتَ أهلُهُ فإنَّکَ إن تَفعَل بی ما أنتَ أهلُهُ تَرحَمُنِی، وَ إن تُعَذِّبُنی فَأنتَ غَنیٌّ عنَ عَذابی، و أنا مُحتاجٌ إلی رَحمَتِکَ، فیا مَن اَنَا مُحتاجٌ إلی رَحمَتِهِ ارحَمنی اللَّهُمَّ لا تَفعَل بی ما اَنَا اَهلُهُ فَإنَّک إن تَفعَل بی ما اَنَا اَهلُهُ تُعَذِّبُنی وَ لَم تَظلِمنی أصبَحتُ أتّقَی عَدلَکَ وَ لا أخافُ جَورَکَ، فَیا مَن هُوَ عَدل لا یَجُور إرحمنی).

و از امام صادق(علیه اسلام) روایت شده است که فرمود: اگر می خواهی مال و ثروتت زیاد شود پس وقوف در صفا را زیاد کن (در صفا زیاد بایست).

ص: ۱۱۸

و مستحب است پیاده سعی کند و با آرامش و وقار راه برود تا به محل مناره اولی برسد پس به سمت مناره دومی هروله نماید، سپس با وقار و آرامش راه برود تا به مروه بالا رود و بر بالای مروه همان اعمالی را انجام دهد که در صـفا انجام داده بوده و از مروه بطرف صفا بر می گردد به همین صورت که گفتیم و اگر سواره باشد در میان دو مناره سرعت کند.

پس سزاوار است که بکوشد تا گریه کند (خود را به گریه وادار کند) و بسیار خدا را بخواند.

ضمناً برای زنان هروله نیست.

ص: ۱۱۹

...

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است.

(۱) زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن

(۲) ختم نمودن یک قرآن

(۳) خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزقاً واسِعاً وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ سُقْم)

و نیز بگوید:

(بِسمِ اللهِ الحَمدُلله وَ الشُکرُ لِله).

(۴) نظر نمودن به کعبه و اکثار از آن

(۵) در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن در اول شب سه طواف و در آخر شب سه طواف و پس از داخل شدن به صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

(۶) هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال یعنی سیصد و پنجاه و پنج مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند طواف نماید.

ص: ۱۲۰

(۷) شخص صروره به خانه کعبه داخل شود و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

(اللّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً فآمنِّی مِنْ عَذابِ النّارِ).

پس دو رکعت نماز گذارده در رکعت اول بعد از حمد سوره (حم سجده) و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از سایر آیات قرآن بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند

(۸) دو رکعت نماز خواندن در هریک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند.

(اللّهُمَّ مَنْ تَهیَّأَ أوْ تَعبَّأَ أوْ أعَدَّ أوِ اسْتَعَدَّ لِوِفادَه إلی مَخلُوق رَجاءَ رِفدِهِ وَ جائِزَتهِ وَ نَوافِلِه وَ فَواضِلِه فَإلَیکَ یا سیِّدی تَهْیِئَتی وَ تعبِیَتی وَ إعْدادی وَ اسْتِعْدادی رَجاءَ رِفدِکَ وَ نَوافِلِکَ وَ جائِزتِکَ فَلا تُخَیِّبِ الیَومَ رَجائی یا مَنْ لا یَخیبُ عَلَیهِ سائِلٌ وَ لا یَنْقُصُهُ نائِلٌ فإنّی لَمْ آتِکَ الیَومَ بِعَمَل صالِح قَدَّمْتُهُ وَ لا شَفاعَهِ مَخلُوق رَجُوتُهُ وَ لکنّی أتَیتُکَ مُقِرّاً بالظُّلم وَ الإساءَهِ عَلی نَفسی فإنَّهُ لا حُجَّهَ لی وَ لا عُذْرَ فَأسْألُکَ یا مَنْ هُوَ کذلِکَ أنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَ آلِهِ وَ تُعطِیَنی مَسْألَتی وَ تَقْلِبَنی بِرَغْبَتی وَ لا تَرُدَّنی مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَ لا خائِباً یا عَظیمُ یا عَظیمُ

ص: ۱۲۱

یا عَظیمُ، أرْجوکَ لِلعَظیمِ، أسألُکَ یا عظیمُ أنْ تَغفِرَ لی الذَّنبَ العَظیمَ لا إلهَ إلّا أنتَ).

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه (اللهُ أکبر) بگوید پس بگوید:

(اللّهُمَّ لا تُجْهِدْ بَلاءَنا رَبَّنا وَ لا تُشمِتْ بِنا أعْداءَنا فَإِنَّکَ أنْتَ الضّارُّ النّافِعُ).

بعد پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند:

ص: ۱۲۲

طواف وداع

برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آن چه خواهد دعا نماید سپس حجرالأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست دیگر را به سمت درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعاء را بخواند:

(اَللّهُمَّ صَلِّ علی مُحَمَّد عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ أَمینِکَ وَ حَبیبِکَ وَ نَجِیِّکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، أَللّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالاتِکَ وَ جاهَدَ فی سَبیلِکَ وَ صَدَعَ بِأَمْرِکَ وَ أُوذِیَ فیکَ وَ فی جَنْبِکَ وَ عَبَدَکَ حَتّی أَتاهُ الیَقینُ، أللّهُمَّ اقْلِبْنی مُفلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بِأَفْضَلِ مایَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ المَغْفِرَهِ وَ الْبَرَکَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ الرِّضْوانِ وَ الْعافِیَهِ).

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن مقداری خرما خریده و آن را بر فقراء صدقه دهد.

ص: ۱۲۳

زیارت رسول اکرم (ص)بعد از حج

از جمله امور مستحب که بسیار مؤکد است این است که شخص هنگام برگشتن، از راه مدینه طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله(ص) و حضرت صدیقه طاهره(س)و أئمه بقیع: مشرف گردد.

زیارت نامه حضرت رسول اکرم(ص)

(السَّلامُ عَلی رَسولِ اللّه صَلّی اللّهُ علیهِ وَ آلِه. السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللّهِ. السَّلامُ عَلَیْکَ یا صفوَةَ اللّهِ. السَّلامُ عَلَیْکَ یا أمینَ اللّهِ. أشْهَدُ أنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَ جاهَدْتَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ عبَدتَهُ حَتّی أتاکَ الْیَقینُ فَجَزاکَ اللّهِ أفضَلَ ما جَزی نبیّاً عَنْ اُمَّتِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد أفضَلَ ما صَلَّیتَ عَلی إبراهیمَ وَ آلِ إبراهیمَ إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدُ).

زیارت نامه حضرت صدیقه(س)

(یا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَکِ اللّهُ الَّذی خَلَقَکِ قَبْلَ أنْ یَخلُقَکِ فَوَجَدَکِ لِما امتَحَنَکِ صابِرَهً، وَ زَعَمْنا أَنّا لَکِ أولِیآءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صابِرُونَ لِکُلِّ ما

ص: ۱۲۴

أتانا بِهِ أبُوكِ۹ وَ أتانا بِهِ وَصِيُّهُ، فَإنّا نَسْأَلُكِ إنْ كُنّا صَدَّقْناكِ إلاّ أَلْحَقْتِنا بِتَصْديقِنا لَهُما لِتُبَشِّرَ أَنْفُسَنا بِأَنّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ).

زيارت ائمه بقيع:

مستحب است كه زائر بهترين لباس نظيف خود را بپوشد، و به بهترين عطر خود را خوش بو كند، و با آرامش و وقار به زيارت آن بزرگواران برود، و چون نزديك آن بارگاه شد بايستد، و با خواندن دعاى زير اجازه ورود بگيرد:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ أَمَتِكُمْ الذَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ الْمُضْعِفُ فِى عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرا بِكُمْ قَاصِدا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّباً إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ أَ أَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ءَأَدْخُلُ يَا مَلائِكَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ»؟

سپس پاى راست را پيش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد شود، و بگويد:

«اَللّهُ اَكْبَرُ كَبيراً، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ كَثيراً، وَ سُبْحانَ اللّهِ بُكْرَه وَ اَصيلاً، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْماجِدِ الاْحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنّانِ،

الَّذِی مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَ سَهَّلَ زِیارَه ساداتِی بِإحْسانِهِ، وَ لَمْ یجْعَلْنِی عَنْ زِیارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ».

و سپس پشت به قبله و رو به آن قبور مطهّر دعای زیر بخواند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ أَئِمَّه الْهُدی، اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ أهْلَ التَّقْوی، اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ أَیهَا الْحُجَجُ عَلی أهْلِ الدُّنْیا، اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ أَیهَا الْقُوّامُ فی الْبَرِیّه بِالْقِسْطِ، اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ أهْلَ الصَّفْوَه، اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ آلَ رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیکُم أهلَ النَّجْوی، أَشْهَدُ أنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فی ذاتِ اللّهِ، وَ کُذِّبْتُمْ وَ اُسیءَ إلَیکُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أنَّکُمُ الاْئِمَّه الرّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَ أَنَّ طاعَتَکُمْ مَفْرُوضَه، وَ أَنَّ قَوْلَکُمُ الصِّدْقُ، وَ اَنَّکُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَ أنَّکُمْ دَعآئِمُ الدّینِ و أرْکانُ الأرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَینِ اللّهِ ینْسَخُکُمْ مِنْ أَصْلابِ کُلِّ مَطَهَّر، وَ ینْقُلُکُمْ مِنْ أرْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْکُمُ الْجاهِلِیه الْجَهْلاءُ، وَ لَمْ تَشْرَکْ فیکُمْ فِتَنُ الأهْواءِ، طِبْتُمْ وَ طابَ مَنْبَتُکُمْ، مَنَّ بِکُمْ عَلَینا دَیّانُ الدّینِ، فَجَعَلَکُمْ فِی بُیوت اَذِنَ اللّهُ اَنْ تُرْفَعَ وَ یذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلاتَنا عَلَیکُمْ رَحْمَه لَنا، وَ کَفّارَه لِذُنُوبِنا، اِذِ اخْتارَکُمُ اللّهُ لَنا، وَ طَیبَ خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَینا مِنْ وِلایتِکُمْ، وَ کُنّا عِنْدَهُ مُسَمِّینَ بِعِلْمِکُمْ، مُعْتَرِفِینَ

ص: ۱۲۶

بِتَصْدِيقِنا اِيّاكُمْ، وَ هذا مَقامُ مَنْ اَسْرَفَ وَ اَخْطَأَ وَ اسْتَكانَ وَ اَقَرَّ بِما جَنی، وَرَجی بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَ اَنْ یسْتَنْقِذَهُ بِکَمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکی مِنَ الرَّدی، فَکُونُوا لِی شُفَعآءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَیکُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْکُمْ اَهْلُ الدُّنْیا، وَ اتَّخَذُوا آیاتِ اللّهِ هُزُواً، وَ اسْتَکْبَرُوا عَنْها. یا مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا یسْهُو، وَ دآئِمٌ لا یلْهُو، وَ مُحِیطٌ بِکُلِّ شَیْء، لَکَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنِی، وَ عَرَّفْتَنِی بِما اَقَمْتَنِی عَلَیهِ، اِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُکَ، وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مالُوا اِلی سِواهُ، فَکانَتِ الْمِنَّه مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ اَقْوام خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَنِی بِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ إذ کُنْتُ عِنْدَکَ فی مَقامی هذا، مَذْکُوراً مَکْتُوباً، فَلا تَحْرِمْنی ما رَجَوْتُ، وَ لا تُخَیِّبْنی فیما دَعَوْتُ، بِحُرْمَه مُحَمَّد وَ آلِهِ الطّاهِرینَ، وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد».

سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا(ص) و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آن ها درود و رحمت فرستد، و بر ایشان فاتحه بخواند.

ص: ۱۲۷

زیارت حضرت حمزه

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای اُحد را زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم(ص)در اُحد بگوید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللّهِ، صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَیرَ الشُّهَدآءِ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَسَدَ اللّهِ وَ اَسَدَ رَسُولِهِ، اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ جاهَدْتَ فِی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللّهِ، وَ کُنْتَ فِیما عِنْدَ اللّهِ سُبْحانَهُ راغِباً، بِاَبِی أَنْتَ وَ اُمِّی، اَتَیتُکَ مُتَقَرِّباً اِلی رَسُولِ اللّهِ(صلی الله علیه وآله)بِذلِکَ، راغِباً اِلَیکَ فِی الشَّفاعَه، اَبْتَغِی بِزِیارَتِکَ خَلاصَ نَفْسِی، مُتَعَوِّذاً بِکَ مِنْ نار اسْتَحَقَّها مِثْلِی بِما جَنَیتُ عَلی نَفْسِی،هارِباً مِنْ ذُنُوبِی الَّتِی احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْرِی، فَزِعاً اِلَیکَ رَجاءَ رَحْمَه رَبِّی، اَتَیتُکَ مِنْ شُقَّه بَعِیدَه، طالِباً فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ، وَ قَدْ اَوْقَرَتْ ظَهْرِی ذُنُوبِی، وَ اَتَیتُ ما اَسْخَطَ رَبِّی، وَ لَمْ اَجِدْ اَحَداً اَفْزَعُ اِلَیهِ خَیراً لِی مِنْکُمْ اَهْلَ بَیتِ الرَّحْمَه، فَکُنْ لِی شَفِیعاً یوْمَ فَقْرِی وَ حاجَتِی، فَقَدْ سِرْتُ اِلَیکَ مَحْزُوناً،وَ اَتَیتُکَ مَکْرُوباً، وَ سَکَبْتُ عَبْرَتِی عِنْدَکَ باکِیاً، وَ صِرْتُ اِلَیکَ مُفْرَداً، وَ اَنْتَ مِمَّن اَمَرَنِی اللّهُ

ص: ۱۲۸

بِصِلَتِهِ، وَحَثَّنِی عَلی بِرِّهِ، وَ دَلَّنِی عَلی فَضْلِهِ، وَ هَدانِی لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِی فِی الْوِفادَه اِلَیهِ، وَ اَلْهَمَنِی طَلَبَ الْحَوآئِجِ عِنْدَهُ، اَنْتُمْ اَهْلُ بَیت لا یشْقی مَنْ تَوَلاَّکُمْ، وَ لایخِیبُ مَنْ أتَاکُمْ، وَ لایخْسَرُ مَنْ یهْواکُمْ، وَ لا یسْعَدُ مَنْ عاداکُمْ».

زیارت وداع پیامبر(ص)

«اَللّهُمَّ لاْ تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَه قَبْرِ نَبِیّک، فَاِنْ تَوَفَّیتَنِی قَبْلَ ذلِک فَاِنِّی اَشْهَدُ فِی مَماتِی عَلی ما اَشْهَدُ عَلَیهِ فِی حَیاتِی، اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُک وَ رَسُولُک، وَ اَنَّک قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِک، ثُم اخْتَرْتَ مِنْ اَهْلِ بَیتِهِ الاْئِمَّه الطّاهِرینَ، اَلَّذینَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهیراً، فَاحْشُرْنا مَعَهُمْ، وَ فِی زُمْرَتِهِمْ، وَ تَحْتَ لِوآءِهِمْ، وَ لا تُفَرِّقْ بَینَنا وَ بَینَهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الاْخِرَه، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، السَّلامُ عَلَیک لا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ تَسْلِیمی عَلَیک».

زیارت وداع ائمه بقیع:

«اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ اَئِمَّه الْهُدی وَ رَحْمَه اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، اَسْتَوْدِعُکُمُ اللّهَ وَ اَقْرَءُ عَلَیکُمُ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِما جِئْتُم بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَیهِ، اَللّهُمَّ فَاکتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ»، و سپس می گوید:

«وَ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِمْ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ وَ رَحْمَه اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ».

ص: ۱۳۰

مسائل متفرقه و استفتائات جدید حج

شرکت در نماز جماعت اهل سنت:

مسأله ۲۴۹) هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیه مسلمانان به نماز جماعت بایستند.

مسأله ۲۵۰) کسی که نمازش را در مسجد الحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه ای که رو به روی امام جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست؛ به شرط این¬که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۱) کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکّه و مدینه می روند، و در جماعت آن ها شرکت می کنند، می توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فرادی به جا آورند.

مسأله ۲۵۲) نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنّت اقامه می گردد صحیح است، و حتی در وسعت وقت نیاز به اعاده نداردبه شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۳) نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجدالحرام یا مسجدالنّبی به جماعت برگزار می شود، کافی است به شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۴) نماز جمعه با اهل سنت کفایت از نماز ظهر نمی کند، و اعاده آن لازم است.

مسأله ۲۵۵) خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنّت، مانعی ندارد به شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۶) با توجّه به این که اگر اهل سنّت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی کنند (و به صورت نیم خیز نمی نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

مسأله ۲۵۷) سجده کردن بر تمام انواع سنگ ها جایز است؛ چه مرمر باشد، یا سنگ¬های سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگ فرش های «مسجدالحرام» و «مسجدالنّبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد.

مسأله ۲۵۸) سجده کردن بر فرش های مسجدالنّبی و سایر مساجد مکه و مدینه مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حساسیت برادران اهل سنّت نمی شود آن را مقدّم دارد؛ اما تأکید می شود از هر عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن می گردد اجتناب ورزند، ولی سجده بر فرش در هتل ها جایز نیست.

مسأله ۲۵۹) سجده بر حصیرهایی که در مکّه و مدینه مورد استفاده حجّاج ایرانی وغیر ایرانی واقع می شود، وحصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد؛ مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد.

مسأله ۲۶۰) نمازهای شخصی که خیال می کرده سجده بر سنگ فرش های مسجدالحرام یا مسجدالنّبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست.

مسأله ۲۶۱) اگر امر دائر است بین این که نماز را در محلّی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالنّبی)، امّا مجبور است بر فرش سجده کند به جا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می تواند بر سنگ سجده نماید باید دومی را انتخاب کند.

مسأله ۲۶۲) حجّاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنّت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می شوند، و به هنگام سجده کمی بیش تر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفش های خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

نماز مسافر

مسأله ۲۶۳) مسافران مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنّبی، بلکه در مکه و مدینه قدیم تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام افضل است.

روزه مستحبی

مسأله ۲۶۴) حاجی می تواند برای برآورده شدن حاجات خود سه روز در مدینه روزه بگیرد و سزاوار است این سه روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه باشد.

مسأله ۲۶۵) نذر روزه در سفر اشکال ندارد و اگر نذر کرد باید به نذر خود عمل کند چه در مدینه یا غیر آن.

ص: ۱۳۴

وقت نماز و روزه

مسأله ۲۶۶) نماز خواندن با اذان اهل تسنّن مانعی ندارد؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمره زائل گردد و اگر یقین به دخول وقت پیدا نکرد باید اعاده کند.

مسأله ۲۶۷) کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می کنند، هر گاه جهت نماز اوّل وقت به مسجد الحرام یا مسجد النّبی بروند، و قبل از زوال حمره به آن ها اصرار کنند که افطار نمایند، اگر مجبور باشند که افطار نمایند نباید در آ ن–جا حاضر شوند که مجبوربه افطار شوند.

حج و خمس

مسأله ۲۶۸) هر گاه شخصی هزینه حج یا عمره دیگری را بپردازد، ولو باذل اهل وجوهات شرعیه نباشد، بر هدیه گیرنده چیزی واجب نیست و هدیه دهنده بدهکار اهل خمس است.

مسأله ۲۶۹) هر گاه کسی بدون این که خمس مال خود را بپردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجه خطای خود

شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اولین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند.

مسأله ۲۷۰) شخصی که حساب خمسی ندارد هر گاه بخواهد به حج مشرف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنان چه تاریخ اولین درآمدش را بداند، آن چه از اموال و دارایی ها که بر مبنای اولین درآمد، سال بر آن گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اولین درآمد را نداند، آن چه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آن چه مشکوک است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آن ها که تاکنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده اند خمس آن را بپردازند تا هم به وظیفه واجب خویش عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند...

ص: ۱۳۶

لقطه (گمشده) حرم

مسأله ۲۷۱) هر گاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که بر ندارد.

استفتائات مرتبط با مسائل عمره

سؤال ۲۷۲) شخصی که مقلد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، اکنون می خواهد تقلید نماید. در این مدت مکه هم رفته است. آیا عبادت هایش صحیح است؟

جواب: هر گاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست باشد، صحیح است؟

سؤال ۲۷۳) قرآن هایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آن ها جمله «وقف لله تعالی» نوشته شده، و بر تعدادی نیز این جمله نوشته نشده است. لطفاً در مورد قرآن های مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف) در بین حجاج مشهور است که برداشتن قرآن هایی که جمله مذکور در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟

ص: ۱۳۷

جواب: برداشتن آن ها بدون اجازه مسؤولین مربوطه جایز نیست، و کسانی که بدون اجازه برداشته اند، باید بازگردانند.

ب)گاهی از اوقات مسؤولین مسجدالحرام قرآن هایی که جمله مذکور روی آن نوشته شده را به حجاج هدیه می کنند. آیا گرفتن چنان قرآن¬هایی جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۴) آیا می توان قطعه ای از سنگ کوه صفا و مروه، یا صحرای مشعر را به عنوان تبرک برداشت؟

جواب: برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست؛ و برداشتن از مشعر نیز احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۲۷۵) گاه دیده می شود که برخی از حجّاج محترم به عنوان تبرّک مقداری از خاک قبرستان بقیع را برداشته، و همراه خود به ایران می آورند. آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشد، وظیفه فعلی آن ها چیست؟

جواب: این کار جایز نیست.

مسأله ۲۷۶) هرگاه جمعیت طواف کننده به قدری زیاد باشد که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش ببرد، ضرری برای طواف ندارد،

ص: ۱۳۸

و همین انـدازه که از آغاز نیت می کنـد که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است. هر چند می داند فشار جمعیت او را به جلو می برد.

مسأله ۲۷۷) طواف در طبقه دوم و پشت بام مسجدالحرام و هر جای دیگر که هم سطح یا بالاتر از بام کعبه است جایز نیست. و کسانی که مجبور هستند از آن جا طواف کنند باید نائب هم بگیرند.

مسأله ۲۷۸) محـل نمـاز طواف واجب، پشت مقـام ابراهیم است؛ ولی اگر ازدحـام جمعیت زیـاد باشـد، می توان عقب تر نمـاز خواند. به خصوص، در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می رسد، در این صورت نبایـد مزاحم طواف کننـدگان شـد، بلکه دورتر از مقام ولی پشت آن نماز می خواند، و کارهایی که بعضـی از عوام انجام می دهند، و دست ها را زنجیر می کنند، و مزاحم طواف کنندگان می شوند، صحیح نیست؛ امّا نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می توان خواند.

مسأله ۲۷۹) خوانـدن نمـاز طواف به جماعت اشکال دارد، حتّی به عنوان احتیاط، و افراد بایـد حمـد و سوره را به قـدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.

مسأله ۲۸۰) سعی صفا و مروه در طبقه بالا جایز نیست.

مسأله ۲۸۱) هنگام سعی صفاو مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است.

مسأله ۲۸۲) نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود؛ امّا نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو.

مسأله ۲۸۳) بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محل طواف را برای کسانی که طواف واجب می کنند آزاد گذاشت.

ص: ۱۴۰

نیابت

سوال ۲۸۴) کسانی که قرائت آن ها صحیح نیست آیا می¬توانند در حج و عمره مستحبی نایب شوند؟ و با وصف مذکور آیا احرام آن ها صحیح است و از احرام خارج نمی شود یا اصل احرام باطل است؟

جواب: نیابت در حج و عمره مستحبی ظاهراً مانع ندارد و احرامشان صحیح است و باید قرائت را حتی الامکان تصحیح نمایند و اگر ممکن نشد با همان قرائت از احرام خارج شوند.

سوال ۲۸۵) وظیفه نائب از جهت تقلید در اعمال حج و عمره چیست؟

جواب: باید طبق تقلید نائب باشد گرچه در صورت امکان، احتیاط در رعایت تقلید منوب عنه هم است.

احرام

سوال ۲۸۶) بعضی از بانوان در ایّام حیض (مثلاً روز چهارم) با تزریق آمپول یا خوردن قرص از بیرون آمدن خون جلوگیری می کنند آیا حکم طاهر را دارند و این عمل برای درک اعمال حج جایز است؟

جواب: حکم طاهر را دارند و مانعی از این عمل شرعاً نیست مگر این که ضرر معتدّبه و قابل اعتنایی داشته باشد.

سوال ۲۸۷) فاصله حج تمتع با عمره مفرده بعد از انجام حج چقدر می باشد؟

جواب: فاصله لازم نیست.

سوال ۲۸۸) فاصله دو عمره مفرده چه مقدار می باشد؟

جواب: احتیاطاً یک ماه فاصله باشد، گرچه اقوی عدم اعتبار فاصله است.

سوال ۲۸۹) در نیت احرام قصد ترک محرمات معتبر است یا نه؟ و اگر معتبر است کسی که یقین دارد بعضی از محرمات را نمی¬تواند ترک کند، تکلیفش چیست؟

جواب: در صحت احرام عزم و قصد بر ترک محرمات از اول تا آخر معتبر نیست، مگر استمناء و جماع. پس اگر از اول قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی، استمناء یا جماع نماید احرامش باطل است.

سوال ۲۹۰) آیا برای دخول در حرم هر چند قصد دخول مکه را نداشته باشد، احرام لازم است؟

ص: ۱۴۲

جواب: بنابر احتياط لازم است و در اين صورت بايد وارد مكه شده عمره را به جا آورد.

سوال ۲۹۱) احرام در ميقات (شجره) تا كجا مجزى است؟

جواب: در تمام مسجد و بيرون آن از طرف راست وچپ مجزى است.

سوال ۲۹۲) اذن شوهر در نذر احرام قبل از ميقات براى بانوان لازم است؟

جواب: اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد لازم نيست.

محرّمات احرام

سوال ۲۹۳) سوزن قفلى در لباس احرام چه حكمى دارد؟

جواب: مانع ندارد گرچه احتياط مستحب ترك آن است.

سوال ۲۹۴) آيا گره زدن لباس احرام جايز است؟

جواب: بنابر احتياط واجب، ترك شود.

سوال ۲۹۵) آيا حاجى مى تواند دو طرف رداء را به وسيله سنگ و كش يا به وسيله سنجاق به هم متصل كند و يا گره بزنند؟

جواب: احتیـاط آن است که رداء را گره نزنـد ولی اگر بـا سـنجاق یـا با گذاشـتن سـنگی در آن دورش را بهم برسانـد، مانعی ندارد،

سوال ۲۹۶) شخص محرم اگر در اثر سردی هوا پتو را از روی لباس احرام به خود بپیچد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر دوخته نباشد، اشکال ندارد.

سوال ۲۹۷) سوار شدن به ماشین سقف دار در شب برای محرم چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بود و نبود سقف تفاوتی نداشته باشد، اشکال ندارد وگرنه بنابر احتیاط ترک شود.

سوال ۲۹۸) محرم بعـد از مسـتقر شـدن در مکه معظمه موقع رفتن به مسـجد الحرام و طواف و سـعی و هم چنین در منی بعد از برگشتن به چادر، موقع رفتن به رمی جمرات آیا لازم است از تظلیل (سایبان قرار دادن بالای سر)، اجتناب کند؟

جواب: بلی سایه قرار دادن بالای سر چه به وسیله چتر و چه با سوار شدن به ماشین سقف دار، بنابر احتیاط ترک شود.

ص: ۱۴۴

سوال ۲۹۹) بانوانی که در حال احرام باید به صورتشان نقاب نیندازند، آیا واجب است به گونه ای دیگر صورت خود را از نامحرم بپوشانند؟

جواب: بلی بنابر احتیاط لازم است به گونه ای دیگر صورت خود را از نامحرم بپوشانند، به این گونه که گوشه چادر و یا چیز دیگر را محاذی چانه ولی دور از صورت نگاه دارند.

سوال ۳۰۰) اکنون که خودروها خصوصاً در عمره مسقّف می باشند، و امکان ندارد شخص به تنهایی برای خود سواری تهیه کند، زیرا که یا از قافله عقب می ماند یا به زحمت می افتد در این صورت چه باید کرد؟

جواب: بعد از احرام در صورتی که تهیه وسیله روباز ممکن نباشد، سوار ماشین مسقّف می شود و واجب است یک گوسفند ذبح کند. البته وجوب کفاره در شب بنابر احتیاط است.

سوال ۳۰۱) استفاده از کمربند دوخته و فتق بند برای مردان در حال احرام چگونه است؟

جواب: فتق بند جایز است ولی بستن کمربند احتیاطاً ترک شود.

ص: ۱۴۵

سوال ۳۰۲) آیا پوشیدن دمپایی دوخته برای مردان جایز است یا نه؟

جواب: جایز است.

طواف

سوال ۳۰۳) آیـا طواف واجب بایـد در حـد فاصـل میـان کعبه و مقـام ابراهیم انجـام شود، آیـا در صورت ازدحام خارج از این محدوده هم جایز است؟

جواب: بلی لازم است در همان محدوده باشد، ولی در صورت اضطرار، در خارج آن با مراعات الاقرب فالاقرب مانعی ندارد.

سوال ۳۰۴) اگر در اثنـاء طواف، نمـاز جمـاعت بر پـا شود تکلیف طواف کننـده نسـبت به قطع و ادامه طواف، یـا استینـاف آن چیست؟

جواب: نماز را در ظاهر با جماعت می¬خواند و بعد طواف را از جایی که قطع کرده ادامه می دهد.

سوال ۳۰۵) آیا در صورت زیادی جمعیت، طواف در طبقه دوم و سوم مسجد الحرام جایز است یا نه؟

ص: ۱۴۶

جواب: طواف در طبقه دوم و سوم ترک شود. چون هم سطح یا بالاتر از بام کعبه است.

سوال ۳۰۶) در هنگام طواف در اثر ازدحام، انسان یک مقـدار راه را بـدون اختیار می رود ولی قصد طواف دارد آیا آن مقدار که بدون اختیار رفته به طوافش ضرر می رساند؟

جواب: ضرر نمی رساند.

سوال ۳۰۷) طواف از طبقه دوم برای معذورین کفایت می کند یا نائب گرفتن هم لازم است؟ و آیا تقدم و تأخر شـرط است یا نه؟

جواب: بنا بر احتیاط، هم از طبقه بالا طواف می کند و هم نائب می¬گیرد و تقدم و تأخر هیچ کدام شرط نیست.

سوال ۳۰۸) حکم شی همراه نجس که ساتر نمی باشد در طواف چیست؟

جواب: مانعی ندارد.

سوال ۳۰۹) آیا دست گذاشتن روی دیوار حجر و کعبه در حال احرام جایز است یا نه؟

جواب: در حال حرکت بنا بر احتیاط جایز نیست.

سوال ۳۱۰) قطع طواف بدون عذر و شروع مجدّد آن چه حکمی دارد؟

جواب: قطع طواف ظاهراً جایز نیست و اگر پیش از شوط چهارم قطع کرده باید از سر بگیرد و اگر پس از شوط چهارم قطع کرده، طواف را به پایان رسانده نمازش را بخواند و بنابر احتیاط تکرار هم نماید. البته در طواف مستحبی عدم جواز قطع مبنی بر احتیاط است.

سوال ۳۱۱) از سر گیری طواف بدون فوت موالات و با از بین رفتن موالات چگونه است؟

جواب: اگر از بین رفتن موالات پیش از دور چهارم باشد، باید طواف را از سر بگیرد و الا باید اتمام کرده نمازش را بخواند و احتیاطاً اعاده نماید.

سوال ۳۱۲) در قطع طواف به خاطر نجس شدن بدن یا لباس، حاجی چه وظیفه ای دارد؟

جواب: اگر نجاست پس از شوط چهارم باشد، تطهیر نموده و از همان¬جا طواف را ادامه می دهد و اگر پیش از شوط چهارم، نجاست اتفاق بیفتد باید پس از تطهیر طواف را تمام نموده نمازش را بخواند و بعداً تکرار هم نماید.

ص: ۱۴۸

سوال ۳۱۳) در قطع طواف به خاطر حدث، وظیفه حاجی چیست؟

جواب: اگر قطع پس از شوط چهارم باشـد باید طواف را به پایان برساند و اگر پیش از شوط چهارم باشد و موالات هم از بین رود طواف را از سر می گیرد و گرنه طواف را به پایان می رساند.

سوال ۳۱۴) قطع طواف به خاطر مرض در پیش و پس از شوط چهارم و ادامه آن چگونه باید باشد؟

جواب: قطع طواف در این صورت اگر پس از شوط چهارم باشـد طواف باطل نمی شود عملش را از همان جا به جا می-آورد واگر پیش از شوط چهارم باشد در صورت از بین رفتن موالات باید از سر بگیرد.

سوال ۳۱۵) وظیفه شک کننده در طهارت، پس از اتمام طواف چیست؟

جواب: طوافش صحیح است وبرای اعمال بعدی باید وضو بگیرد.

سوال ۳۱۶) شک در نقیصه طواف پس از اتمام آن چه حکمی دارد؟

جواب: به شک خود اعتناء نکند.

ص: ۱۴۹

سوال ۳۱۷) کم کردن از شوط های طواف به خاطر سهو مبطل است یا نه؟

جواب: اگر پیش از فوت موالات یادش آمد، نقیصه را جبران کند و در صورت فوت موالات اگر مقدار فراموش شده سه شوط یا کمتر باشد مبطل نیست و باید ناقص را خودش به جا آورد، و در صورت عدم امکان نائب بگیرد و اگر بیش از سه شوط باشد احتیاطاً به پایان رساندە نمازش را بخواند سپس طواف را اعاده نماید.

سوال ۳۱۸) زیاد کردن شوط های طواف سهواً چه حکمی دارد؟

جواب: اگر کمتر از یک شوط باشد او را رها می کند و گرنه به قصد قربت مطلقه تا هفت شوط تکمیل می کند.

نماز طواف

سوال ۳۱۹) کسانی که قرائتشان صحیح نیست و در تصحیح قرائت مقصر باشند، در نماز طواف چه تکلیفی دارند؟

جواب: تا حد امکان باید نماز طواف را خودش بخواند و بنابر احتیاط رجاءً نایب هم بگیرد.

سوال ۳۲۰) آیا نماز طواف باید در پشت مقام ابراهیم(علیه اسلام) انجام شود یا در جاهای دیگر نیز جایز است؟

جواب: لازم است نماز در پشت مقام ابراهیم به جا آورده شود و در صورت عدم توانایی، در هر جای مسجد که نزدیک به مقام است، به جا آورد ولی باید پشت مقام باشد.

سوال ۳۲۱) اگر بین طواف و نماز طواف یکی دو ساعت فاصله باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: نماز طواف بایستی بعد از طواف فوراً به جا آورده شود که در عرف نگویند بین طواف و نماز فاصله شده است. و در صورتی که فاصله انداخت، بنابر احتیاط واجب طواف را دوباره انجام دهد.

سوال ۳۲۲) اگر کسی غسل جنابت را فراموش نموده و با همان حال مکه رفته و برگشته و تمام اعمال را صحیحاً به جا آورده؛ تکلیفش چیست؟

جواب: حج و عمره اش درست است فقط باید طواف عمره و طواف حج و طواف نساء و نماز آن ها را دوباره به جا آورد و در صورت عدم امکان، نایب بگیرد تا از طرف او به جا آورند.

ص: ۱۵۱

سوال ۳۲۳) اگر در هنگام خواندن نماز طواف ممکن نباشد که مرد جلو و زن عقب نماز بخواند، تکلیف چیست؟

جواب: هر طور که ممکن باشد، کافی است.

سوال ۳۲۴) حکم خون معفو عنه -بخشیده شده- در نماز در طواف نیز جاری است یا نه؟

جواب: در طواف بنابر احتیاط جاری نیست.

سوال ۳۲۵) چقدر فاصله میان طواف و نماز طواف مخل صحت نیست؟

جواب: به مقداری که موالات عرفیه از بین نرود و بعید نیست تا حدود ده دقیقه مخل نباشد.

سوال ۳۲۶) حکم عاجز از قرائت صحیح چیست؟

جواب: در صورت واقعی بودن عجز مثل عدم امکان تلفظ صحیح بعضی از حروف، آن چه می تواند کافی است و اگر به خاطر کوتاهی در یادگیری باشد باید یاد بگیرد و در تنگی وقت آن چه بلد است بخواند و احتیاطاً نائب هم بگیرد.

سعی و صفا

سوال ۳۲۷) گاهی حجاج به جهت ازدحام مجبور می شوند برای سعی از مسجد الحرام عبور کنند در این صورت آیا حائض و نفساء باید برای سعی نایب بگیرند؟

جواب: اگر بدون عبور از مسجد الحرام سعی ممکن نباشد، برای سعی نایب بگیرند.

سوال ۳۲۸) آیا سعی در طبقه دوم و سوم صفا و مروه را جایز می دانید؟

جواب: بنابر احتیاط، در طبقه پایین سعی کنند.

سوال ۳۲۹) اگر در اثناء سعی فراموش کند که چند مرتبه سعی کرده است، و به کلی غافل باشد، در این صورت چه باید بکند؟

جواب: باید سعی را از سر بگیرد.

سوال ۳۳۰) سعی در مسعی جدید مجزی است یا نه؟

جواب: بلی مجزی است.

سوال ۳۳۱) اگر فرد پس از تقصیر متوجه بطلان سعی شود، وظیفه اش چیست؟ (تکرار تقصیر لازم است یا نه)؟

جواب: سعی را به¬جا می آورد و تکرار کردن تقصیر لازم نیست.

سوال ۳۳۲) تأخیر انداختن سعی تا فردا اشکال دارد یا خیر؟

جواب: تکلیفاً جایز نیست و لی اگر تاخیر انداخت و فردا سعی را به¬جا آورد مجزی است.

متفرقه

سوال ۳۳۳) استظلال در شب برای مردان چگونه است؟

جواب: بنا بر احتیاط جایز نیست.

سوال ۳۳۴) استظلال در مکه و منی و عرفات بعد از منزل کردن حکمش چیست؟

جواب: جایز نیست.

سوال ۳۳۵) استظلال از مسجد تنعیم چه حکمی دارد؟

جواب: در روز جایز نیست و در شب هم بنابر احتیاط جایز نیست، مگر اینکه بود و نبود سقف بی اثر باشد.

سوال ۳۳۶) پی بردن به بطلان وضو یا غسل در عمره تمتع یا حج چه وظیفه ای را برای حاجی به دنبال دارد؟

ص: ۱۵۴

جواب: اعمال این شخص اعم از حج و عمره صحیح است و واجب است طواف و نماز طواف را خودش به جا آورد و در صورت عدم امکان نائب بگیرد.

سوال ۳۳۷) تخییر میان قصر و اتمام در مکه و مدینه مختص کجاست؟

جواب: مکه و مدینه قدیم.

سوال ۳۳۸) سجده بر فرش در مسجدین (مکه، مدینه) جایز است یا نه؟

جواب: در صورت تقیه جایز است.

سوال ۳۳۹) اقتداء به اهل سنت در مکه و مدینه صحیح است یا تکرار لازم دارد؟

جواب: با رعایت وظیفه منفرد صحیح و مجزی است. یعنی نماز را خودش بخواند و فقط اعمال نماز را با آن ها هماهنگ باشد.

سوال ۳۴۰) حکم خمس سپرده های حج و عمره و سود حاصل از آن چیست؟ (که سال ها پیش به قصد سفر حج واریز کرده است.)

ص: ۱۵۵

جواب: اگر سپرده از درآمد همان سال ثبت نام باشد خمس ندارد و سود حاصله حلال است.

فهرست مطالب

ص: ۱۵۷

ص: ۱۵۸

ص: ۱۵۹

ص: ۱۶۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹